

فتح حج



هذه من علاه إحدى المعالی

رضا مختاری

توجه به اختلاف افق.

۳. اعلان ثبوت هلال در کشورهای مختلف به وسیله رسانه‌ها و عنایت مردم هر کشور به ثبوت آن در کشور خود.
۴. رؤیت هلال ذی حجه در کشور

* مصرعی است از قصیده غزای هائیه شیخ کاظم آزری بغدادی رحمته الله که اینجا درباره حضرت امام خمینی رحمته الله به آن تمثیل جسته‌ام. مصرع دوم آن چنین است: «وعلى هذه فقیس ما سواها». یعنی، این عمل یکی از کارهای بلندمرتبه و ارجمند اوست، و سایر کارهای او را بر همین قیاس کن.

۱. آفتاب در مکه تقریباً ۴۶ دقیقه پس از غروب آن در تهران، غروب می‌کند و همین امر، در امکان رؤیت هلال در مکه و عدم آن در تهران مؤثر است.

رؤیت هلال ذی حجه در مکه و اختلاف شیعه و سنی در ثبوت آن، در چند سده اخیر، برای حجاج شیعه از مسائل مهم، سرنوشت‌ساز و گاه همراه با مصائب تلخ و دردناکی بوده است. عدم اعتماد به ثبوت هلال نزد قاضی اهل سنت در مکه، و در نتیجه ثابت نشدن آن نزد شیعیان، معلول یکی از عوامل زیر یا بیشتر است:

۱. نفس حجت ندانستن حکم قاضی اهل سنت، هر چند علم یا گمانی برخلاف آن وجود نداشته باشد.

۲. اختلاف افق کشورهای شیعه نشین، مثل ایران با عربستان،^۱ و اعتماد مردم هر کشور به تقویم و افق کشور خود، بدون



الف) گزارش مواردی از اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در مکه به ترتیب تاریخی

در پاره‌ای از سالها، انگیزه برای اعلان ثبوت هلال برخلاف واقع، وجود داشته است؛ یعنی در سالهایی که روز عرفه با روز جمعه یکی و شنبه عید قربان می‌شده که سنّیان حج آن سال را حج اکبر می‌نامیدند و در نتیجه رؤسای مکه نفع مادی بیشتری می‌بردند. حسام السلطنه نوشته است:

«گویند هر سالی که قاضی آنها اثبات این مطلب کرده، حج را به اصطلاح آنها حج اکبر ساخت، از جانب دولت علیّه عثمانی وظیفه کثی به او عطا شد که در نسل او باقی و برقرار بماند»^۱

برای تأمین این منظور، اگر روز عید به‌طور طبیعی مصادف با یکشنبه می‌شد، از قبل در رؤیت هلال طوری برنامه ریزی می‌کردند که ماه یک روز زودتر آغاز شود و عید به شنبه بیفتد و طبعاً روز جمعه و عرفه یکی شده و حج آن سال، حج اکبر شود. عبدالحیّ رضوی کاشانی (م بعد

مبدأ و سپس عزیمت به مکه، و محاسبه ایام در مکه طبق رؤیت نقطه مبدأ.

رؤیت هلال ذی حجه در مکه و اختلاف شیعه و سنّی در ثبوت آن

ما در اینجا ذیل چند عنوان، به بحث از جوانب مختلف این موضوع می‌پردازیم:

الف) گزارش مواردی از اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در مکه، به ترتیب تاریخ.

ب) راه حلها و تلاشها برای رفع این مشکل.

ج) اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در منابع فقهی و بحث فقهی این موضوع به نحو اجمال و گزارش اقوال و بیان سیر تاریخی مسأله در کتب فقه و خدمت بزرگ امام خمینی علیه السلام از این جهت به حج. به همین مناسبت، عنوان مقاله را «هذه من علاء إحدی المعالی» انتخاب کرده‌ام و این نشان دهنده آن است که این موضوع یکی از دهها کار بزرگ امام خمینی و خدمت او به مسلمانان است.

د) چگونگی و مبنای ثبوت و اعلام رؤیت هلال ذی حجه در مکه.

۱. سفرنامه حسام السلطنه، ص ۱۰۵

از ۱۱۵۲) در فصل هفتم «حديقة الشيعة»^۱ گوید:

«من در سال ۱۰۹۹ قصد حج داشتم. به اصفهان آمدم و شبی از شبهای ماه رمضان در مجلسی بودم که عالم فاضل مولی میرزا شیروانی در آن حضور داشت. از من پرسید: امسال قصد حج داری؟ گفتم: آری. گفت: ترسم آن است که در این سال مشکل حج اکبر به وجود آید؛ زیرا در تقویم، عید قربان به اولین روز هفته افتاده است، گروهی از شاگردان و نزدیکان من قصد حج داشتند که آنها را منصرف کردم. گفتم: نمی‌توانم به تأخیر بیندازم. گفت: دعاگوی شما هستم. من به حج رفتم و آن سال حج اکبر شد، اما اختلافی در رؤیت هلال پیش نیامد. مولی میرزا در آن محفل گفت: اگر چنین وضعی پیش آمد، می‌توان با عمره مفرده از احرام خارج شد. شخصی گفت: علامه مجلسی حکم کرده است که با قربانی می‌توان مُجَل شد. مولی میرزا گفت: این فتوا خطاست. گفتم: این فتوا درست است؛ زیرا... پس از آن استاد ساکت شد.

من شنیدم که علمای اصفهان، قم و شیراز حاجیان را [که با قربانی، یا عمره مفرده مُجَل نشده بودند و به وطن بازگشته بودند] از ورود به منازل خود مانع شدند تا مبادا مرتکب حرام و امور زناشویی شوند. علما از آنان می‌خواستند تا در مساجد و رباطها سکنی گزینند تا در حج سال بعد، شرکت کنند و مُجَل شوند».^۲

باری، چون در صورت اختلاف در ثبوت هلال و روز عرفه و عید، شیعیان معمولاً نمی‌توانسته‌اند در وقت شرعی طبق تشخیص خود وقوف کنند مشکلاتی گاه عظیم برای آنان پیش می‌آمده است. اکنون به مواردی از این اختلاف اشاره می‌کنم:

۱. حديقة الشيعة رضوی مخطوط، و نسخه خطی آن به شماره ۱۱۲۴ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است. فصل دهم این کتاب راجع به غناست که آن را در میراث فقهی (۱): غنا، موسیقی، صص ۱۷۳۱-۱۷۱۹ درج کرده‌ایم. فصل هفتم کتاب مزبور درباره سالهای حج اکبر ستیان است که اگر رؤیت هلال برای شیعه ثابت نمی‌شد برای آنها مشکل پیش می‌آمد. نک: صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۰۸۲-۱۰۸۵.
۲. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۰۸۳-۱۰۸۴.



۱. عبدالحی رضوی در کتاب پیشگفته

می نویسد:

«در طول عمر ما، فراوان این مشکل پیش آمده و شده است که قاضی مگه، با شهادت یک حاجی مغربی، حکم به ثبوت رؤیت هلال می کند و دشواری از اینجا آغاز می شود که به شیعه اجازه نمی دهند به موقع در عرفات و قوف کند. یک بار سید فاضلی به حج رفت و شاهد بود که هیچ کس به رؤیت هلال شهادت نداده است، چون محرم شده بود تا سال آینده در مگه مجاور ماند و پس از گزاردن حج به شهرش بازگشت.

فاضل قزوینی به حج رفت و چون امر مشتبه شد، از ستیان پیروی نکرد. رؤسای مگه از کار او آگاه شدند و به قتلش حکم کردند. او در تنوری پنهان و از مگه خارج شد. پس از آن در اطراف مگه ماند تا سال بعد خود را به قیافه ای دیگر درآورد و حج گزارد.

فاضل دیگری هم به نام مولی زین العابدین [کاشانی] از آنان پیروی نکرد، او را کشتند.^۱

... همین زمان عالم فاضلی به نام شاه فضل الله در کاشان بود گفت: فرزندان

محمدباقر خراسانی که فقیهی فاضل است، در همین سال به حج رفت و بازگشت. از ظاهر سفر او بر می آید که حج را صحیح می دانسته است. من نامه ای به او نوشتم و از کیفیت حج سؤال کردم. به من - شاه فضل الله - نوشت: حج باطل است. بدو نوشتم: چرا شما برگشتید؟ نوشت: حج من حج واجب نبود. من حج واجب را سالها پیش انجام دادم، این حج مستحب بود. من با عمره مفرده خود را مُجَل کردم و بازگشتم.

... یکی از علمای کاشان به نام مولی هادی این قبیل حج را صحیح و از حجة الاسلام مجزی می دانست. یک بار دیگر هم همین حادثه اتفاق افتاد: سید فاضلی به نام میر عبدالغنی در مگه با جماعتی ساکن بود. اعرابی که حج نیابی انجام می دادند نتوانسته بودند حج خود را به موقع به جا آورند. از این رو مردم برای سال بعد به آنان نیابت

۱. البته گاهی کشته شدن شیعیان در شهرهای ستیان علل دیگری داشته است. درباره کشته شدن مولی زین العابدین و چگونگی آن نک: علل برافتادن صفویان، صص ۳۶۵ - ۳۶۳

ندادند؛ زیرا آنها را مُحَرَّم دانستند.^۱

۲. در سال ۱۲۶۰ نیز چنین اختلافی پیش آمده است. محمد ولی میرزا در سفرنامه حج خود، در این باره می نویسد:

«به جهت اینکه پیش پاشای شام به شهادت دو عرب بدوی ثابت شد که ماه از چهارشنبه است و حکم کرد که پنج شنبه نهم است، به خلاف قاضی و شریف که عرفه را جمعه می دانند؛ ما هم از ترس آمدیم به منا و شب را در آنجا نماز کردیم. بعد از سعی و دوندگی بسیار، پانصد غازی به شریف وعده کردیم که مرخص کرد که شب جمعه و روز جمعه را در عرفات بمانیم. جمعیت گذاشته ماندیم. پانصد غازی به هزار زحمت مردم دادند.»^۲

۳. اعتماد السلطنه در ماه شعبان ۱۲۶۳

همراه با عده ای از بغداد برای تشریف به حج حرکت کرده و در آخر ماه رمضان همان سال که در حمص سوریه بوده، اختلاف در ثبوت هلال آغاز شده است:

«روز جمعه، بیست و هشتم ماه رمضان بود. حضرات حاج بیت الله در شهر حمص توقف داشتند. یک دفعه

قریب به ظهر صدای توپ بلند شد... گفتند: عید فطر شد... برای مفتی شام ثابت شده... عید کرده اند. نشان به آن نشان، شب شنبه ابداً ماه پیدا نشد. شب یکشنبه، بعد از دو روز از عید حضرات... آدمهای بسیار چشم پر نور را، شکل هلال رؤیت شد.»^۳

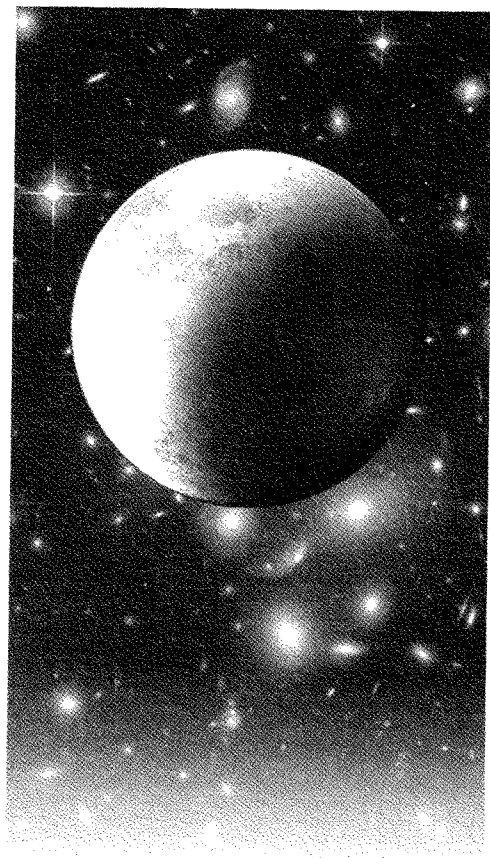
از سخنان بعدی وی بر می آید که حجاج شیعه، به تشخیص خود در ثبوت هلال، وقوف در عرفات و سایر مناسک را انجام داده اند:

«حضرات حاج [شیعه] هشتم ذی حجه، با نهایت آرامی و فراغت در مکه هستند... صبح هشتم باید... دوباره به وضع اول، لباس احرام بپوشند... فردای آن شب، سَنَیها به مکه رفتند، اگر هم رؤیت هلال ذی حجه بر شیعه و سَنَی مشتبّه نبود و مع ذلك به فتوای مفتی طائف، آنها عمل حج را یک روز پیش انداختند، «مِنْ جَانِبِ اللَّهِ» بود؛ زیرا

۱. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴

۲. سفرنامه محمد ولی میرزا، ص ۲۴۵، چاپ شده در کتاب «به سوی آم القری».

۳. سفرنامه حاج علیخان اعتماد السلطنه، ص ۸۵



اگر غیر از این می‌شد، از کثرت جمعیت،
به شیعه بد می‌گذشت.^۱

۴. علامه میر حامد حسین هندی،
شمشیر آخته حق بر سر دشمنان، صاحب
«عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ»، به سال ۱۲۸۲ به حج
مشرف شده است. وی دربارهٔ اختلاف شیعه
و سنی در ثبوت هلال ذی حجه آن سال، در
سفرنامهٔ عربی خود می‌نویسد:

«... روز دوشنبه ۲۹ ذی‌قعدة به هنگام
مغرب، در حال طیّ طریق بودیم که
هلال ماه ذی‌حجه را دیدیم... صبح روز
پنج‌شنبه سوم ذی‌حجه ۱۲۸۲ به مکه
مشرفه رسیدیم.

بین ما و اهل سنت یک روز اختلاف
است. متأسفانه نمی‌توانیم در روز
ترویّه محرم شویم؛ زیرا عامّه روز
هفتم ذی‌حجه را هشتم اعلام کردند و از
مکه خارج شدند؛ لذا برای ما ممکن نشد
در مکه بمانیم، ما هم پس از نماز عشا
محرم شده به طرف منا کوچ نمودیم.
اوایل شب به منا رسیدیم؛ بعضی از
حاجیان ایرانی که با ما همراه بودند در
منا ماندند و ما به راه خود ادامه دادیم.
پیش از طلوع آفتاب به عرفات
رسیدیم....

۱. سفرنامه حاج علیخان اعتماد السلطنه،

سه شنبه هشتم ذی حجه است، در آخرین لحظات امروز اهل سنت عرفات را ترک کردند [زیرا سه شنبه را روز نهم می‌دانستند]، لیکن حجاج ایرانی و هندی و تمام پیروان مذهب امامیه در عرفات ماندند.

ظهر چهارشنبه نیت وقوف در عرفات کردیم و تا غروب آفتاب در آنجا ماندیم و پس از غروب آفتاب راهی مشعرالحرام شدیم... پنج شنبه به منا رسیدیم... سپس برای رمی جمره عقبه حرکت نمودیم... پس از صرف ناهار سر را تراشیده از احرام خارج شدیم.^۱

۵. فرهاد میرزا در سال ۱۲۹۲ به حج مشرف شد و چون خود اهل علم بود و موقعیت شاهزادگی نیز داشت، زمانی که احساس کرد ممکن است اختلاف شود، به سعید پاشا امیر حج گفت:

«من از اهل علم هستم و روز پنجشنبه را غره می‌دانم، اگر شما اختلاف داشته باشید باید عسکر بدهید. من روز جمعه را در عرفات خواهم ماند. من علم خود و دین خود را به تقویم سالنامه اسلامبول تابع نمی‌کنم.

اهل شیعیه از هر ولایت و عجمها که

تقریباً پنج هزار نفر می‌شدند، از من استعلام کردند. گفتم: من امروز نخواهم رفت و اهل عجم هم مأذون نیستند بروند. همگی متابعت مرا کردند و کسی از شهر مکه معظمه حرکت نکرد.^۲

ولی محمل شامی و مصر یک روز زودتر - روز چهارشنبه - به منا رفتند، و فرهاد میرزا که روز جمعه را عرفه می‌دانست نرفت.^۳

۶. این اختلاف در سال ۱۲۹۷ نیز به وقوع پیوست. گزارش شده است:

«شب جمعه هشتم ذی حجه در میان حضرات اهل تسنن شهرت یافته که امشب عرفه است، همه بحمدالله کوچیدند، رفتند به منا.»^۴

«این امر سبب خوشحالی زائران ایرانی شد، چون آن شب را به خلوتی در

۱. میقات حج، شماره ۱۴، صص ۱۶۸ و ۱۶۹،

«از هندوستان تا حریم یار».

۲. سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۲۰۰

۳. همان، ص ۲۱۰

۴. سفرنامه دختر فرهاد میرزا، ص ۲۸۲، چاپ

شده در «میراث اسلامی ایران»، دفتر پنجم



مسجد الحرام گذراندند و «به کام دل حجر را بوسیدند»^۱

حسام السلطنة نیز به همین مناسبت، در همان سال می نویسد:

«قدغن کردم به حمله داران ایرانی... امروز حرکت نکرده، فردا مستعد حرکت باشند...»

«...اکثر اهل تشیع نیز متابعت ما را نموده، خارج نشدند. در عرفات نیز اردوی شامی و مصری با جناب شریف مکه در سمت یمین بود و اردوی ما با تمام شیعه‌ها در سمت یسار. شیعیان آن شب را در منا ماندند و به امامت میرزا حبیب‌الله رشتی، از مراجع نجف، نماز گزارند»^۲

۷. درباره حج سال ۱۳۰۲ میرزا محمد حسین فراهانی نوشته است:

«سَنّی‌ها اصرار دارند که عرفات به جمعه بیفتد. یکی به واسطه آن است که دریافت حج اکبر کنند و یکی به جهت آنکه اگر عرفات به جمعه بیفتد، قضات هم از دولت، علاوه وظیفه دارند و هم از بابت حج اکبر نذرها و نیازها بیشتر می‌شود... شیعه‌ها که قریب شش هزار

می‌شدند و بیشتر رعیت دولت ایران بودند، چون هیچ‌کس ماه را ندیده بود، روز شنبه را عرفه کردند»^۳

۸. در سال ۱۳۰۵ نیز برای اینکه حج اکبر اتفاق بیفتد، یک روز ثبوت ماه را زودتر اعلان کردند. نایب‌الصدر شیرازی می‌نویسد:

«قاضی حکم داده‌اند که امروز روز هشتم است. چاره‌ای جز تبعیت نبود»^۴

از این رو، یک روز قبل از تروبه؛ یعنی روز هفتم، همه به سمت منا حرکت کردند. فردا صبح به عرفات رفتند و شب هنگام، زمانی که یکصد و پنجاه هزار سَنّی از

۱. سفرنامه دختر فرهاد میرزا، ص ۲۸۲
۲. سفرنامه حسام السلطنة، ص ۱۱۹-۱۲۱، به نقل از مقاله «حج‌گزاری ایرانیان در دوره قاجار»، چاپ‌شده در مقالات تاریخی، دفتر هشتم.
۳. سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، ص ۲۰۷، به نقل از مقاله «حج‌گزاری ایرانیان در دوره قاجار»، چاپ‌شده در مقالات تاریخی، دفتر هشتم.
۴. سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی، ص ۱۷۴، به نقل از مقاله «حج‌گزاری ایرانیان در دوره قاجار»، چاپ‌شده در مقالات تاریخی، دفتر هشتم.

عرفات به سمت مشعر می‌رفتند:

«به قرب سی هزار شیعیان حیدر کزار
آن شب را احیا داشتند... چه مبارک
سحری بود و چه فرخنده شبی!»^۱

نایب الصدر توضیح می‌دهد در
مواردی که اختلاف نظر پیش می‌آمد و
شیعیان روز بعد را در عرفات می‌ماندند
شریف مکه دو نفر از بنی اعمام خود را نزد
شیعیان می‌گذاشت تا اگر مشکلی روی داد
حل کنند.

۹. ظهیر الملک درباره حج سال ۱۳۰۶
گوید:

«دیشب در عرض راه، رؤیت هلال شد،
خیلی هم ارتفاع داشت، الحمدلله رفع این
اختلاف شد.»^۲

غافل از آنکه سَنیان شب قبل از آن را،
شب اول ماه اعلام کرده بودند. از این رو،
اختلاف بالا گرفت و شیعیان یک روز پس
از سَنیان در عرفات وقوف کردند و این
تاخیر تا پایان اعمال حج ادامه داشت.
ظهیر الملک گوید:

«امروز که سه شنبه هشتم است، اهل
جماعت نهم کردند. لهذا خیال دارند

امروز عصر به [عرفات] بروند و ان
شاء الله ما خالی از اغیار آسوده
باشیم.»^۳

۱۰. مولی ابراهیم کازرونی درباره حج
سال ۱۳۱۵ نوشته است:

«شب جمعه غرة ذی حجة الحرام، هلال
را به مبارکی و میمنت رؤیت نمودیم،
خیلی مرتفع بود و همین ارتفاع سبب
اختلاف میان فریقین شد... به واسطه
اختلاف فریقین دو روز در عرفات
توقف کردیم و نیت وقوف را از ظهر
یکشنبه نهم، که روز دهم اهل خلاف
بود، تا غروب آفتاب قصد کردیم.»^۴

۱۱. مرحوم حاج سراج انصاری رحمته الله در
سال ۱۳۵۰ به حج مشرف شده و در این

۱. سفرنامه نایب الصدر شیرازی، ص ۱۷۹، به
نقل از مقاله «حج گزاری ایرانیان در دوره
قاجار»، چاپ شده در مقالات تاریخی، دفتر
هشتم.

۲. سفرنامه ظهیر الملک، ص ۲۵۷، چاپ شده
در «میراث اسلامی ایران»، دفتر پنجم

۳. سفرنامه ظهیر الملک، ص ۲۵۸، چاپ شده
در «میراث اسلامی ایران»، دفتر پنجم

۴. سفرنامه مولی ابراهیم کازرونی، صص ۳۶۱،
۳۶۳، چاپ شده در «میراث اسلامی ایران»،
دفتر پنجم



زمینه، ضمن گفتگویش با حمزه غوث،
سفر عربستان در ایران، به سال ۱۳۶۷،
اظهار داشته است:

«... من خودم در سال ۱۳۵۰ عازم مکه
بودم. شبی میان مکه و مدینه به
مناسبت احتمال شب اول ماه ذی الحجة
الحرام بودن، میان بیابان تمامی حجاج
از اتومبیل‌ها پیاده شده و استهلال
نمودند و احدی ماه را ندید. چیزی که
مایه بدگمانی این جانب شد، آن بود که
یک نفر حمله‌دار که یک چشم هم نداشت
پهلوی خود من ایستاده و استهلال
نمود و در نتیجه گفت که ماه پیدا نیست
و چون به مکه رسیدیم یکی از شهود
همین حمله‌دار بود و روی شهادت یک
چنین شهودی فتوا داده می‌شود.»^۱

۱۲. مرحوم سید فضل الله حجازی
در سال ۱۳۶۲ - ق. = ۱۳۲۲ ش. با عده‌ای، از
شهرضا عازم حج شدند. بنا به گزارش ایشان
در سفرنامه‌اش: «الرحلة الحجازیه»، در این
سال نیز در ثبوت هلال ذی حجه میان شیعه و
اهل سنت اختلاف شد و در همان سال واقعه
قتل فجع میرزا ابوطالب یزدی اتفاق افتاد.
از برخی گزارشها بر می‌آید که اختلاف

مذکور در به شهادت رساندن میرزا ابوطالب
مؤثر بوده است. مرحوم حجازی در این
زمینه می‌نویسد:

«پنج ذی حجه یا به قول عامه ششم،
روز جمعه بود... هفتم ذی حجه، که
هشتم در نزد عامه بود، عازم منا
شدیم... علی الصباح از مشعر کوچ
کرده، آمدم منا. امروز را عامه رسماً
عید می‌دانند. توپ عید را زدند، مناسک
عید به جا می‌آورند ولی ما یقین داریم
که امروز نهم است. می‌خواهیم برویم
ولی خوف داریم که منع کنند. تا بعد از
ظهر ماندیم، آن‌گاه حرکت کردیم به
سوی عرفات، در بین راه به ماشینی
برخورده، سوار شدیم، طولی نکشید
که وارد عرفات شدیم. از دور
چادرهایی به نظر می‌آید. جمعیت
زیادی مشاهده می‌شود. حوزه حوزه
مشغول دعا و تلاوت و زیارت و توبه و
اثابت هستند، اصلاً حال خوشی امروز
در عرفات مشاهده می‌شود. معلوم
می‌شود امروز عرفه است. عجب حال
توجه و انقلاب و زاری و تضرعی به

۱. حاج مهدی سراج انصاری، صص ۲۴۷ و ۲۴۸

مردم دست داده! آخر دیروز هم در این صحرا بودیم اما انقلاب حالی در خود ندیدیم.

حوالی غروب عده‌ای شرطی وارد عرفات شده، مردم را به عنف گرفته، در سیاره‌ها انداختند و می‌برند و به جانب منا و محکمه برای تحقیق، هیاهوی غریبی رخ داد. مردم همه مضطرب و پریشان از این سو به آن سو فرار می‌کنند. به رفقا سفارش کردم: ملتفت باشید پیش از غروب از حدود عرفات خارج نشوید، اما از یمین به یسار فرار کنید. در این بین هوا متقلب شده، ابر شد و باران به شدت باریدن گرفت. شرطی‌ها عده‌ای را گرفته سوار سیاره‌ها شدند و رفتند. عرفات امن شد و آثار مغرب ظاهر گردید. اذان مغرب را گفته از حدود عرفات خارج شدیم. هوا کمی سرد است. باران هم می‌آید و ما هم سر و پای برهنه فقط دو جامه احرام دربر داریم و بس، ولی با شوق آمدیم و وارد منا شدیم. شب را در چادر به سر برده، سحر برخاستیم، رو به مشعر آورده و در راه دچار شرطی شدیم، رشوه دادیم و رد شدیم! در مشعر، وقوف اختیاری را درک کرده،

صبح به منا بازگشتیم. مناسک و مراسم عید را به جا آوردیم و در این احتیاط بعضی از عامه هم با ما همراهی کردند.

پس از مراجعت از منا، اوضاع دگرگون شده، عربها به دیده عداوت و دشمنی به عجمها نگاه می‌کنند بلکه بد می‌گویند، شتم می‌کنند. حتی شنیده شد بعضی از کسبه مکه با عجمها معامله نمی‌کنند! نگارنده به چشم خود دیدم که در مسجدالحرام چند نفر مصری و غیر مصری از اعراب و شرطی یک نفر ایرانی را گرفته می‌زدند و بعضی دیگر، آنان را بر این کار تشجیع و ترغیب می‌کردند و می‌گفتند: جزاك الله خيراً، جزاك الله خيراً، از یکی پرسیدم علت این کار و سبب این سب و شتم در گفتار چیست؟ گفت: عجمها حرمت مسجد را نگاه نداشتند، دیگر از این بالاتر که یک نفر عجمی دیروز مسجدالحرام را نجس کرده است! گفتم: معاذ الله! مسلمان چنین عملی را مرتکب نمی‌شود. کدام عقل باور می‌کند که یک نفر مسلمان ایرانی از راه دور با آن صدمات شدید و مخارج گزاف (ده هزار تومان یا اقلأ پنج هزار تومان) به مکه



بیاید و مسجد الحرام را نجس کنند؟! (سبحانک هذا بهتان عظیم!)

سیزده ذی حجه، یا چهارده آن، به قول عامه، بعد از ظهر در مسجد الحرام بودیم، انقلابی در مردم مشاهده کردم؛ عربها شادی می کنند. به یکدیگر بشارت می دهند که: قُتِلَ العجمی، قتل العجمی! وقتی به ایرانی ها بر می خورند، دست بر گلو می گذارند و می گویند: کُلَّ عجمی یُذَبِّح!...»^۱

در این زمینه در گزارش سفارت ایران، به نمره ۷۷/ح/۱۶۴ در ۳۰/۹/۱۳۲۲ ش، آمده است:

«... امسال علاوه بر این بدبختیها که نصیب حجاج شده، اتفاقات ناگوار بسیاری در آنجا رخ داده که منتهی به قتل یک نفر از حجاج ایرانی گردیده است و چون سفارت مصر که حافظ منافع اتباع ایران است، در این باب به این سفارت خبری نداده و حجاجی تاکنون نرسیده بودند، سفارت از این موضوع بی اطلاع بود. تا اینکه جناب آقای سید باقر کاظمی که از راه مصر به حج مشرف شده بودند دیروز (سه شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۲۲) با اولین کشتی

حجاج مراجعت فرمودند و شرح این اتفاقات را دادند که خلاصه اظهارات ایشان در زیر به آگهی اولیای امور می رسد:

در اوایل ایام حج، که هنوز عده حاجی که به حجاز رسیده بودند زیاد نبود، شنیده شد تلگرافی از عراق رسیده است دایر بر اینکه در حدود پنج هزار حاجی ایرانی در راه هستند. چون دولت شاهنشاهی اجازه مسافرت به حجاج ایرانی نداده بود، تصور نمی رفت عده ای به این زیادی توانسته باشند به طور قاچاق از ایران خارج شده باشند... طولی نکشید که معلوم شد در حدود شش هزار نفر ایرانی به کویت رفته اند و عده دیگری که به عنوان زیارت عتبات به عراق آمده بودند و از آنجا قصد حج نموده اند به سمت حجاز حرکت کرده اند و دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسیله مسافرت، ناچار از بازگشت شده در حدود چهار هزار نفر آنها به حجاز آمدند....

نظر به اختلاف رؤیت هلال ذی حجه،

۱. میقات حج، شماره ۱۶، صص ۱۶۳ و ۱۷۲ -

۱۷۶، «الرحلة الحجازیه».

امسال نیز مانند غالب سالها، راجع به عید اختلاف بود؛ چه، در ایران، افغانستان و عراق و سوریه و حتی مصر روز چهارشنبه عید بود و تنها در حجاز روز سه شنبه را عید گرفتند. سایرین مطابق افق محل و شهادت شهود رؤیت هلال مانند خود اهالی کشور عربی سعودی اول ماه را مطابق محل قبول کردند؛ ولی ایرانیان و عده‌ای از شیعیان عراقی چون هلال را ندیده بودند و شهادت شهود سعودی را قبول نداشتند، با اینجانب (جناب آقای کاظمی) و سید باقر بلوط (رییس تشریفات دربار عراق) و عبدالهادی جبلی، از اعیان شیعیان عراق صحبت نمودند اقدامی شود، اجازه دهند دو موقف باشد؛ یعنی پس از وقوف عرفات که مطابق محل، روز دوشنبه ۹ ذی حجه بوده، روز سه شنبه را هم که به حساب شیعیان ۹ ذی حجه بوده، مجدداً در عرفات وقوف کنند. به آنها اظهار نمودیم که این موضوع عملی نیست، سابقه هم دارد، در سالهایی که اختلاف در رؤیت هلال بوده، هیچ وقت دولت عربی اجازه تعدد موقف را نداده بلکه

این امر را موجب ایجاد اختلاف و شقاق بین مسلمین می‌داند و آن را شرعاً جایز ندانسته بلکه تقاضا کنندگان این امر را مخالف وحدت مسلمین تشخیص داده سخت مجازات خواهند نمود و چون خود آنها نیز وقوف عرفات را رکن حج می‌دانند سعی دارند وقوف آنها صحیح باشد و به‌طوری که خود ملک ابن السعود اظهار می‌داشت اشخاص تیزیابی را مأمور رؤیت هلال می‌کنند و در شهرهای مختلف نجد در روز معین عده زیادی مترصد رؤیت هلال هستند و تلگرافاتی از اطراف راجع به این موضوع می‌رسد و قاضی شرع در شهادت شهود دقت کافی به عمل می‌آورد؛ لذا با این سوابق عدم قبول فتوای حاکم شرع را مانند توهین خیلی شدیدی تلقی خواهد نمود و اصرار در این موضوع، علاوه بر اینکه مفید نیست ممکن است برای حجاج شیعه خطرانی داشته باشد.

خوشبختانه حضرت آقای سید ابوالحسن اصفهانی هم آقای سید ابراهیم شبّر را از طرف خود به حجاز اعزام فرموده بودند که در این قبیل اختلافات نظر حضرت آیت‌الله را به



عریضه را گرفته، حبس نموده، سخت مجازات کند و به قراری که رییس شهربانی می‌گفت این موضوع را به‌طور مناسبی حل کرده بود.

اینجانب چون در میهمانخانه بانک مصر منزل داشتم، با حجاج مصری مطابق محل، به منا و عرفات رفته، مناسک حج را انجام دادم، ولی معلوم شد که با تمام این مقدمات، عده خیلی زیادی از حجاج ایرانی و شیعیان عراقی روز چهارشنبه را نیز که می‌بایستی همه به منا مراجعه کرده باشند به عرفات رفته‌اند.

رییس اداره شهربانی حجاز اظهار می‌داشت که بعد از ظهر روز مزبور ملک با کمال تغیر و خشم به وسیله تلفن به او آگهی داده بود که اطلاع پیدا کرده است عده‌ای از حجاج ایرانی به عرفات رفته‌اند و دستور داده که فوراً به هر وسیله که شده آنها را باز گردانند و نامبرده با عده زیادی سرباز بدانجا رفته، مشاهده نموده بود که مانند روز وقفه عده خیلی زیادی در آنجا هستند. با زحمت زیاد آنها را راه انداخته بود، ولی آنها بدان اکتفا ننموده به مشعر الحرام نیز رفتند، از آنجا هم با سختی

شیعیان ابلاغ نماید. ایشان را ملاقات نموده در این باب سخن به میان آوردم. اظهار نمود که حضرت آیت‌الله اصفهانی به ایشان دستور داده‌اند در این قبیل اختلافات اگر در نتیجه این اختلاف معلوم شود که تعدد موقف ممکن است زیان یا خطری برای حجاج شیعه ایجاد نماید، مطابق موقف محل عمل کنند و چون نظر حضرت آیت‌الله هم همین بود، قرار شد آقای سید ابراهیم شبیر امر ایشان را به حجاج ابلاغ کنند. اینجانب و آقایان دیگر نیز هر یک به نوبه خود این موضوع را به حجاج حالی نمودیم و قرار شد امسال این موضوع را ابداً مطرح نکنند که اختلافی بین سنی و شیعه رخ ندهد و خطری متوجه حجاج ایرانی نگردد. ولی بعداً آگهی یافتیم که عده‌ای از ایرانیان به زبان فارسی عریضه به ملک ابن سعود نوشته، تقاضا کرده‌اند به آنها اجازه دهند روز چهارشنبه را هم که به حساب ایران ۹ ذی‌حجه و به حساب حجاز عید قربان بود، برای وقوف به عرفات بروند. ملک از این تقاضا سخت متغیر شده به رییس شهربانی دستور داده بود نویسندگان

۱۳. شیخ آقا بزرگ تهرانی در سال ۱۳۶۴ به حج مشرف شد. آن سال نیز گرفتاری اختلاف در ثبوت هلال پیش آمد. ایشان در زندگی نامه خود نوشته‌اش به عربی، در این باره چنین می‌نویسد:

«روز سه شنبه، اول ذی‌حجه به نظر سعودیها بود ولی به سبب ابرِ متراکم در مدینه، هلال دیده نشد... ما بعد از نماز عصر روز سه شنبه [هشتم ذی‌حجه به نظر سعودیها] برای حج مُحرم شدیم. در آغاز شب چهارشنبه به سمت منا و روز بعد به عرفات رفتیم و با سَنَیان و قوف کردیم. شب همراه مردم راهی مشعر شدیم و بین‌الطلوعین در مشعر بیتوته کردیم. سپس برای رمی جمره عقبه و قربانی به منا رفتیم ولی مُجَل نشدیم و روز پنج‌شنبه که عید اهل سنت بود تا شب مُحرم ماندیم. سپس شب جمعه دوباره به عرفات بازگشتیم و پس از وقوف اضطراری عرفات و قبل از طلوع فجر به مشعر آمدیم و بین‌الطلوعین روز جمعه را در مشعر بیتوته کردیم. بنابراین،

فوق‌العاده آنها را به منا فرستاد و به قراری که خودش مدعی بود به ملک گفته بود این عده مخالفت با اجماع ننموده‌اند و برای وقوف مجدد به عرفات نرفته‌اند بلکه نظر به نداشتن وسیله، مجبوراً در عرفات مانده‌اند. در هر صورت این حرکت خیلی در ملک ابن‌السعود و رجال متعصب کشور عربی سعودی اثر بدی باقی گذاشته بود و آن را به شکل توهین شدیدی تلقی نموده، کینه آن را در دل گرفته، به فکر انتقام بودند.

بعد از مراجعت حجاج از منا و پایان مناسک حج شنیده شد یک نفر از حجاج ایرانی را به عنوان اینکه حرم مطهر مکه معظمه را ملوث نموده، گرفته و بین صفا و مروه در مقابل اداره شهربانی کت بسته حاضر و پس از قرائت حکمی، او را با شمشیر سر بریده‌اند! امیر الحج مصر نیز مرادید، راجع به این موضوع بازجویی نموده، می‌پرسید این شخص از کدام دسته از شیعیان است؟

رفع اشتباه ایشان را نموده، تأکید کردم که هیچ عاقلی نباید به سخن عده‌ای جاهل و متعصب گوش بدهد یا این اتهامات باطل را باور کند...^۱

۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، صص ۹۹-۱۰۲



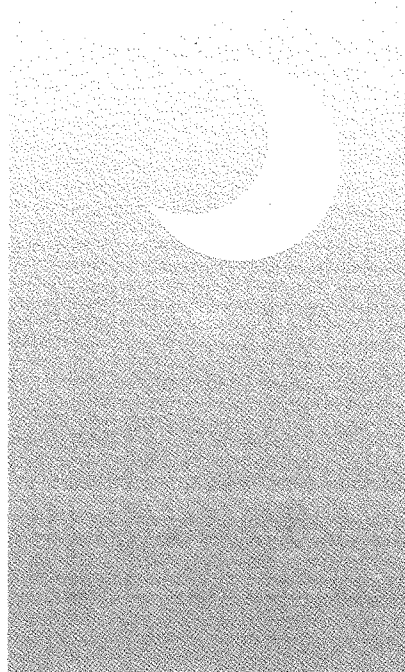
وقوف اختیاری مشعر و اضطراری
عرفه [به نظر خودمان] وقوفین
اختیاری هر دو به نظر اهل سنت را
درک کردیم. روز جمعه در منا دوباره
رمی و ذبح و حلق کردیم... و در آخر
ماه ذی حجه شب پنجشنبه با وجود
صافی هوا، و بذل جهد گروهی برای
استهلال، هلال محرم دیده نشد و
ذی حجه به نظر اهل سنت سی و یک
روز شد.^۱

۱۴. مرحوم آیت الله سید محمود
طالقانی رحمه الله در سال ۱۳۷۱ ق. برابر با ۱۳۳۱
ش. به حج مشرف شدند. ایشان ماجرای
اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در آن
سال را به طور مشروح بدین گونه گزارش
کرده است:

«تقویمهای ایران روز شنبه را اول ماه
می دانند. منتظریم تا در اینجا چگونه
خواهد شد؟ ناگاه از طرف حکومت
اعلام شد که شب پنجشنبه ماه دیده
شده و ثابت شده است که روز پنجشنبه
اول ماه است؛ این خبر میان حجاج
ایرانی هیجانی ایجاد نمود. اختلاف، آن
هم دو روز! چه باید کرد؟ گفتگو میان
عموم حجاج درباره تکلیف حج است.
آنها به اهل علم مراجعه می کنند، اهل
علم چه جواب بگویند؟

در این بین، شنیده شد آیت الله کاشانی
وارد مکه شده اند، جمعی ساده لوح از
این جهت خوشحال و امیدوارند که
ایشان می توانند اختلاف را حل کنند یا
حکومت را از رأیی که داده منصرف
سازند یا حجاج را برای تکرار عمل

۱. میراث حدیث شیعه، ج ۱، صص ۴۱۶ و ۴۱۷.
«زندگی نامه خودنوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی».



آزادگذارند!

برای ملاقات ایشان از منزل بیرون آمدیم. از کاسب و مأمورین دولت سراغ ایشان را می گرفتیم. با آنکه ایام حج، همه شخصیتها در مکه تحلیل می روند، اما ورود ایشان برای عموم محسوس بود! ما را به اداره امن عام راهنمایی کردند. از مسجدالحرام عبور کردیم و از رئیس اداره، محل آیت الله را پرسیدیم، او شرطه ای را با ما همراه کرد؛ نزدیک یکی از درهای بیت، اتفاقی است که مقابل آن عده ای نظامی ایستاده اند. از پله ها بالا رفتیم و وارد اتاق شدیم. آیت الله کنار درهایی که مشرف به خانه است نشستند. معلوم شد از همانجا ما را می دیدند و انتظار داشتند. پس از احوالپرسی، راجع به اختلاف ماه با ایشان بحث کردیم. بعضی همراهان ایشان گفتند: ماه در شب جمعه، در بعضی نقاط ایران دیده شده. بعضی هم ادعای رؤیت نمودند.

در این بین چند نفری که از طرف ایشان به ملاقات ولیعهد سعودی رفته بودند، از وضع ملاقات و تشریفات صحبت می کردند. منتظر بودیم بدانیم از این

ملاقات برای امور بین المللی - اسلامی یا اصلاح امر حاج و حجاج ایرانی چه نتیجه ای گرفته اند، ولی بیشتر تعریف اتاق و خانه و کیفیت پذیرایی بود! ظهر شد و بانگ اذان از دل مسجدالحرام برخاست! دوایر صفوف، در مدت چند دقیقه، پشت هم منظم گردید. مسجد تا راهروها پر شد. بعضی از مأموران که وظیفه شان مراقبت از آیت الله بود، از همین جا اقتدا کردند. به جا بود، چنانکه در دستورات ائمه طاهرين (علیهم السلام) هست، ما هم به صف جماعت می پیوستیم! ولی نشستیم تا نماز تمام شد. بعضی از مأموران با تعجب نگاه می کردند. از آیت الله درخواست نمودم که بلافاصله برای نماز برخیزند و ایشان برخاستند. عده ای از حجاج ایرانی هم با ما به راه افتادند. مأموران انتظامی سعودی هم راه باز می کردند. وارد مسجد شدیم. عده ای از حجاج مصری و غیر مصری ایستاده، تماشا می کردند. ما مشغول نماز شدیم. حجاج آیت الله را به یکدیگر نشان می دادند؛ از این توجه و احترام و نام و آوازه برای نزدیکی مسلمانان و از میان رفتن سوء تفاهات،



استفاده‌های خوبی ممکن بود برده شود، ولی ایشان دچار نقاها و فشارهای فکری بودند. اطرافیان عاقل و صالح ایشان هم در اقلیت بودند....

...اختلاف درباره ماه و تکلیف فردا، مهم‌ترین مطلبی است که در میان حجاج ایرانی مورد بحث است؛ در این بین، گفتند که حجاج مجاور ما که از اهل جبال لبنان و شیعه مذهب‌اند، می‌گویند: شب جمعه هلال را در لبنان دیده‌ایم. از مدعیان رؤیت که دو نفر مرد کامل بودند، دعوت کردیم بیایند و شهادت بدهند. چند نفر از علمای اصفهان و شهرهای دیگر نیز آمدند تا شهادت آنها را بشنوند! آقای اصفهانی، با زبان عربی شکسته و لهجه اصفهانی، این دو نفر را سؤال پیچ کرد؛ کدام سمت مشرق و چقدر از افق بالا بود؟ شاخکهای ماه کدام طرف بود؟ یکی از دو نفر از میدان در رفت اما دیگری مقاومت کرد و سؤالات را جواب گفت. فعلاً اختلاف بین پنج شنبه و جمعه است.

یکی از اهل علم پرسید: شما چه خواهید کرد؟ گفتم: به عقیده شما تکلیف چیست؟ گفت: وقتی که ماه برای ما و از

طریق خودمان ثابت نشده، فردا نهم است. اگر بتوانیم باید هر دو موقف را درک کنیم؛ فردا بعد از ظهر عرفات را و فردا شب مشعر را و اگر نتوانستیم، یکی از دو موقف را. بنابراین، باید تا پیش از طلوع آفتاب، مشعر را فردا شب درک نماییم. گفتم: من چنین کاری نخواهم کرد؛ چون نه اجتهاد این کار را لازم می‌داند و نه تقلید!

مسألة اختلاف ماه در حج، از مسائل تازه در آمده است! پس از رحلت رسول خدا ﷺ امسال هزار و سیصد و هفتاد و دومین^۱ باری است که مسلمانها برای فریضة حج در این سرزمین جمع شده‌اند. جز در این سالهای اخیر، درباره اختلاف ماه؛ چه در زمان ائمه و چه پس از آن، در میان مسلمانان هیچ بحثی پیش آمده؟ با آن همه اختلافات

۱. «یکمین» درست است نه «دومین»؛ زیرا حج مرحوم طالقانی به تصریح خود ایشان در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ ش و روز حرکتشان از ایران ۱۸ ذیقعدة ۱۹/۷۱ مرداد ۳۱ بوده است. نک: به سوی خدا می‌رویم، ص ۸۸، همچنین ۱۳۷۲ بار خطا و ۱۳۶۲ بار درست است؛ زیرا رحلت رسول خدا در سال دهم هجرت رخ داده، و از آن هنگام تا سال ۱۳۷۲، می‌شود ۱۳۶۲ بار نه ۱۳۷۲ بار.

...بعد معلوم شد که عده‌ای شب بعد به
مشعر رفته و دچار زحمت شده‌اند، یکی
از اهل علم که دنده‌اش شکسته بود،
مدتی می‌نالید و از ما کتمان می‌کرد...^۱

۱۵. مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم
کاشانی نیز در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ ش.
به حج مشرف شد. چنانکه در گزارش سفر
مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی، که
همان سال به حج مشرف بود گذشت، در
سال مزبور نیز این اختلاف رخ داد. جناب
آقای جعفر رائد که به عنوان دفتر دار همراه
مظفر اعلم، سفیر ایران در عربستان، به جده
رفته و هنگام حج آیت‌الله کاشانی همراه
ایشان بوده است، در این باره می‌نویسد:

«... در آن سال در مورد رؤیت هلال
ذی‌الحجه میان شیعیان و سنیان
اختلاف افتاده بود و آیت‌الله کاشانی
مایل بود مقامات سعودی به شیعیان
اجازه دهند که یک روز دیرتر اعمال حج
را به جا آورند. البته امیر سعود نه تنها
این پیشنهاد را نپذیرفت بلکه به او
برخورد؛ زیرا آن را مقدمه دو دستگی

مذهبی و مسلکی که بوده است! از
هنگامی که وسیله مسافرت سریع و
روابط نزدیک شده، این اختلاف و بحث
نو ظهور پیدا شده است؛ حجاج ایرانی
تقویمهای منجمان ایران را همراه
می‌آورند یا به وسیله مسافر و رادیو
می‌شنوید که فلان روز در ایران اول
ماه بوده و در اینجا دولت روز دیگر را
اول ماه اعلام می‌کند، بدبینی شدید هم
که وجود دارد، به این جهت می‌گویند:
همان‌طور که ما مذهب اینها را قبول
نداریم، ماهشان هم مال خودشان. ما
پیرو افق خودمان که افق شیعه است
می‌باشیم؛ آیا در این موارد جای
تعصب است! ما خواه ناخواه در
سرزمین حجازیم پس باید تابع افق
همین جا باشیم...»

بنا به فرمایش شما جز در سالهایی که
هلال بلند است و به چشم همه می‌آید
(که کم اتفاق می‌افتد) در هر سال این
اختلاف و احتیاط باید باشد! چه رؤیت
هلال ایران با حکم اول ماه حجاز متفق
باشد و چه مختلف؛ چون اول ماه ایران
به جهت اختلاف افق برای حاج حجّت
نیست، اعلام حکومت اینجا را هم که
قبول نداریم!

۱. به سوی خدا می‌رویم، صص ۱۷۵ - ۱۸۴



بزرگی بین مسلمانان شیعه و سنی در موسم حج می دانست و دستور داد عده‌ای سرباز و پلیس به چادرهای آیت‌الله کاشانی و سفیر ایران مظفر اعلم بفرستند تا از یک طرف مانع برگزاری جداگانه مراسم حج از طرف مسلمانان شیعه شوند و از طرف دیگر اگر کسانی به این بهانه در صدد تجاوز به آنان برآیند از آنها جلوگیری به عمل آورند.^۱

جناب آقای کاظم آذری کاردار وقت ایران در عربستان نیز در گزارش شمار ۷۰۹، در تاریخ ۱۳۳۱/۷/۲۲ ش. در این باره می نویسد:

«... در هشتم ذی حجه، که در نتیجه اختلاف رؤیت هلال دو روز اختلاف بین تقویم ایران و حجاز پیش آمد، حجاج سخت ناراحت شده بودند و برای حلّ این اشکال و وقوف اضطراری روز بعد در عرفة، به حضرت آیت‌الله مراجعه می کردند و ایشان مصمم شدند در این باب با اولیای امور دولت سعودی مذاکره نمایند و با وجود اینکه نظر به سوابقی که داشتیم، تذکر دادم که قطعاً اقدام در

این باب مفید نیست، در نتیجه اصرار ایشان، ناچار دستورشان را اجرا کردم. معظم له قبل از ظهر آن روز به بنده فرمودند: می خواهم پیغام مرا به مقامات محلی اینجا برسانی (و پیغام خود را شرح دادند). بنده نخست شیخ ابراهیم السلیمان رییس دفتر امیر فیصل را که با بنده سابقه دوستی ممتدی دارد، ملاقات نموده و نظر به روابط و سوابق موجود فیما بین، موضوع را صراحتاً به میان گذاشته به او تذکر دادم که تفاوت هر ساله بین تقویمهای ایران و حجاز یک روز بود، لذا دلیل اختلاف افق قابل قبول بود ولی حالا که اختلاف دو روز است کار بر ما مشکل شده و باید صراحتاً بگویم که شهود امسال شما قطعاً اشتباه کرده اند، چه از نقطه نظر نجومی رؤیت هلال در حجاز و نجد (که در مشرق مصر واقع است) قبل از رؤیت آن در ایران امکان دارد، ولی قبل از موعد رؤیت آن در مصر به هیچ وجه امکان ندارد و با بودن رصدخانه «حلوان» در

۱. تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۶-۷، ص ۳۳۳، «آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی آن طور که من شناختم».

«مصر» و دقتی که در این باب به عمل می‌آید، نمی‌توان گفت آنها اشتباه کرده‌اند و جز کشور عربی سعودی، تمام کشورهای اسلامی به خطا رفته‌اند!

پس از این مقدمه، از ایشان خواستم جریان را به نحو مقتضی به امیر فیصل که شخص روشن و فهمیده‌ای است برساند و همانطور که آیت‌الله خواسته بودند، محرمانه از ایشان تقاضا کند دستور دهند مأموران شهربانی مزاحم عده‌ای که روز بعد در عرفات می‌مانند و شب بعد به مشعر می‌روند نشوند.

نامبرده با اینکه باطناً با بنده هم‌عقیده بود، اظهار نمود، استدلالهای نجومی و ریاضی در اینجا بی اثر است و در مقابل حکم محکمه شرعی، جز تمکین چاره‌ای نیست. امیر فیصل هم با بودن امیر سعود کاری نمی‌تواند بکند، بهتر است در این باب با امیر سعود مذاکره شود....

یکی از آقایان علما، به نام بحر العلوم به ملاقات حضرت آیت‌الله آمده، اظهار نمودند که دو نفر از شیعیان، که یکی از آنها از اهالی کویت است و هر دو مورد اطمینان ایشان‌اند، شهادت به رؤیت

هلال در شب جمعه ۳۱ مرداد داده‌اند. آقای شمس قنات‌آبادی هم شهادت دادند که شب جمعه مزبور، در موقعی که از شمیران به تهران می‌آمدند، بدون هیچ زحمتی ماه را دیده‌اند. آقای عباس ناجی، داماد آیت‌الله هم که در آن شب همراه آقای قنات‌آبادی بود، این شهادت را تأیید نمود و از مجموع این شهادتات نزد حضرت آیت‌الله رؤیت هلال ذی‌حجه در شب جمعه ۳۱ مرداد ثابت گردید و اختلاف دو روز به یک روز مبدل شد و چون با اختلاف افق، اختلاف یک روز امر عادی است، رؤیت هلال در حجاز در شب پنج‌شنبه، سی‌ام مرداد، جزو امور محتمله درآمد و چون علم به خلاف آن نداشتند؛ یعنی نمی‌توانستند قطع داشته باشند که ادعای رؤیت اهالی اینجا برخلاف حقیقت است، مطابق موازین فقهی حکم به متابعت دادند، به خصوص که بعضی از اجله فقهای شیعه حتی با علم به خلاف هم، امر به متابعت از جماعت کرده‌اند.

این بود که اکثر حج‌اج ایرانی، مطابق دستور حضرت آیت‌الله و عده‌ای از حضرات علما که به حج مشرف شده



بودند، روز جمعه [را] نهم ذی حجه گرفته، با سایرین در عرفات وقوف نمودند. ولی باز عده‌ای عمل به احتیاط نموده، شب بعد به مشعر رفتند و مأموران شهربانی آنها را مجبور به مراجعت نموده، به آنها توهین کردند.

... مجلة المصور، از انتشارات «دارالهلal» مصر در این باب شرحی اغراق آمیز نوشته است که بعضی قسمتهای آن کاملاً مخالف با حقیقت است (قطعه روزنامه و ترجمه آن برای مزید استحضار به ضمیمه تقدیم می‌گردد).

به طوری که عرض شد، تقاضای حضرت آیت الله که صورت محرمانگی کامل داشت و معلوم نیست به چه علتی مأمورین محلی خبر آن را - ولو اینکه مجله جریان را مطابق با واقع ننوشته است - به مجلة مزبور داده‌اند؟!

اجازه وقوف جداگانه برای ایرانیان نبود، پاسخ امیر هم مطابق شرحی بود که به عرض رسید و اظهاراتی که مجله به امیر نسبت داده است، دایر بر اینکه: «دولت سعودی به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد یکی از مسلمانان بدین کشور

بناشد و قانونی غیر از قانون معمول در این کشور را بر حکومت محلی تحمیل نماید و دولت به کاشانی و دیگران اجازه نخواهد داد یک دقیقه پس از حرکت حجاج از عرفات در آنجا بمانند و اگر وی با این ترتیب موافقت نکند طوعاً یا جبراً [با] یکی از هواپیماها او را به کشورش بازگشت خواهد داد» به کلی عاری از حقیقت است.

مجلة «المصور» چاپ مصر شماره ۱۴۵۸ مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۲ (۱۳۳۱/۶/۲۸) در ضمن مقاله‌ای که راجع به اوضاع عمومی حج منتشر کرد، راجع به حضرت آیت الله کاشانی چنین نوشت:

بحران و تهدید

«پیشوای دینی مشهور ایران، «آیت الله کاشانی» یکی از حجاج امسال بیت الله الحرام بود ولی او بدون اینکه تعمّدی در کار باشد، بحرانی به وجود آورد...»

... جریان مهمی پیش آمد که کم مانده بود به بحران شدید و خطرناکی کشیده شود. بدین ترتیب که همراهان آیت الله کاشانی به مقامات محلی سعودی اطلاع دادند که روز وقوف عرفات در

اختلاف اوقات اعیاد و ایام مذهبی مانند وقوف عرفات و غیره در میان کشورهای اسلامی حُسنی ندارد و باید کلیه این کشورها ترتیبی پیش گیرند و همه متفقاً روزهایی را تعیین کنند تا جریانی شبیه جریان امسال پیش نیاید که در تمام اقطار اسلامی عید قربان یکشنبه بود، در صورتی که در میان آنها فقط دولت سعودی روز شنبه را عید گرفت! مگر اینکه «نظر» دولت عربی سعودی از «نظر» سایر دولتها قوی‌تر و دوربین‌تر باشد!»

باری، از آنجا که اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در مکه، برای شیعیان معمولاً مشکل ساز بوده است، در سالهایی که این اختلاف پیش نمی‌آمده است، شیعیان با خیال راحت و آسوده خاطر مناسک خود را انجام می‌داده‌اند:

۱. برخلاف اظهار مخبر روزنامه، یکشنبه بود. «مترجم»
۲. این قسمت هم مطابق حقیقت نیست. «مترجم»
۳. این شرح، دور از حقیقت است و جریان حقیقی و واقعی همان است که در گزارشی علی‌حده مشروحاً عرض شده است. «مترجم»

ایران شنبه است^۱ و پیشوای ایران روز شنبه را هم در عرفات خواهد ماند، طبق وقت ایران مراسم حج را به‌جا آورد.^۲ در مقابل این پیغام، امیر سعود دستور داد مقامات محلی به اطلاع آیت‌الله کاشانی برسانند که حجاج در اراضی مقدسه تابع قوانین و مقررات دولتی حکومت عربی سعودی هستند و شایسته نیست آقای کاشانی ثبوت رؤیت هلال را که کلیه حجاج پذیرفته‌اند نپذیرد و تصدیق نکند.

دولت سعودی به هیچ‌وجه اجازه نخواهد داد که فرد مسلمانی از کشور دیگری بیاید و بخواند قانون یا مقرراتی را که در کشور ما معمول نیست به کار بندد و دولت سعودی به آقای کاشانی یا دیگری اجازه نخواهد داد که بعد از بازگشت حجاج از عرفات، یک دقیقه هم در آنجا بماند و اگر به این دستور سر فرود نیاورد، فوراً یکی از هواپیماها او را (مقصود آیت‌الله کاشانی است) طوعاً یا جبراً به کشور خود باز خواهد گردانید!^۳

آقای کاشانی هم در برابر این پیغام جز سر فرود آوردن چاره‌ای ندید. «در اینجا لازم است گفته شود که



۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی در زندگی نامه خود نوشت خویش به عربی، درباره حج سال ۱۳۷۷ گوید:

«در مدینه، در باغ اسعد امر الله، در شب چهارشنبه منزل کردیم. چهارشنبه در تقویمهای ایرانی، آخر ذی قعدة و در تقویم سعودی اول ذی حجه بود. گروهی از حجاج و غیر آنها شهادت به رؤیت هلال دادند و ظن غالب به راستگویی و اشتباه نکردن چشم آنها حاصل شد؛ از آن رو که شب پنج شنبه ماه بسیار بلند بود و معلوم شد شب چهارشنبه قابل رؤیت بوده است. من شب پنج شنبه، پس از اینکه در باغ مزبور، نماز مغرب و نوافلش و سپس عشا را خواندم و حدود یک ساعت از شب گذشته بود، هنگامی که برای جستجوی هلال در وسط خانه در جایی بلند نشسته بودم، ماه را دیدم.

۱. سفرنامه امین الدوله، ص ۱۸۹، به نقل از مقاله «حج گزاری ایرانیان در دوره قاجار».
۲. سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۷۲، چاپ شده در «میراث اسلامی ایران»، دفتر پنجم.
۳. سفرنامه میرزا علی اصفهانی، ص ۲۱۵-۲۱۶، چاپ شده در کتاب به سوی امّ القری.
۴. سفرنامه جزائری، ص ۴۰، به نقل از مقاله «حج گزاری ایرانیان در دوره قاجار».

۱. امین الدوله درباره حج سال ۱۳۱۶ نوشته است:

«بحمدالله در این سال میان فریقین در رؤیت هلال و موقع عید خلاف نیست».^۱

۲. از حج سال ۱۳۱۷ نیز گزارش شده است:

«چون امسال اختلاف در غرّه ذی حجه میان شیعه و سنی پیدا نشده بود، لهذا کثرت خلق و ازدحام حاج در اینجا نمایشی زاید الوصف داشت».^۲

۳. در سال ۱۳۳۱ نزدیک بود اختلاف پیش آید که علمای شیعه به تحقیق و جستجو پرداختند و مشکل رفع شد.^۳

۴. سید فخر الدین جزائری درباره حج سال ۱۳۴۰ می نویسد:

«شب اول ماه برای استهلال روی کوه ابوقبیس رفتیم و ماه دیده شد و پس از آن، شیعه و سنی دسته دسته نزد حاکم مکه می آمدند و شهادت می دادند. بحمدالله [اول ماه] ثابت شد و اختلاف بین شیعه و سنی در این خصوص پیدا نشد و اغلب سالها این اختلاف مایه زحمت حجاج می شود».^۴

مفرده و هدی، از احرام خارج می‌شدند و در مکه می‌ماندند تا سال بعد حج بگذارند و اگر حج آنها واجب نبود به وطن بر می‌گشتند. برخی هم که از این دو راه حل - عمره مفرده و هدی - خبری نداشتند و به وطن بازگشته بودند، محکوم به محرم بودن می‌شدند؛ چنانکه گزارشی از اواخر دوره صفویه از این موضوع حکایت دارد و پیشتر نقل شد و فصل هفتم «حَدِيقَةُ الشَّيْعَةِ» رضوی (م بعد از ۱۱۵۲) به همین موضوع اختصاص دارد. بر اساس گزارش سفرنامه‌ها و منابع مکتوب مشابیه، در آن روزگار کمتر سخنی از همراهی با اهل سنت - از روی تقیه - به چشم می‌خورد و حتی رضوی، کسانی را که به صحت مناسک مزبور، به دلیل تقیه فتوا داده‌اند به باد انتقاد گرفته است.

با توجه به نکات مذکور، برخی از عالمان شیعه در صدد چاره‌جویی و حل مشکل برآمدند که در ذیل به نمونه‌هایی از تلاش‌های آنان اشاره می‌شود:

۱. مرحوم حاج سراج انصاری، دانشمند پر تلاش، زمان شناس و فهیم، در

سپس نقل کردند که هلال حدود یک ساعت و نیم از شب گذشته غروب کرده است. از اینجا اطمینان پیدا کردیم که شب چهارشنبه شب اول ماه بوده است - هر چند رؤیت شرعاً ثابت نشد، چون تعداد شهود به قدری نبود که به حد شیاع و استفاضه برسد - از این رو، با سعودیها موافقت کردیم و روز پنج‌شنبه را عرفه و روز جمعه را عید دانستیم.^۱

ب) راه‌ها و تلاش‌ها برای رفع این مشکل

چنانکه گذشت، در صورت اختلاف میان شیعه و سنی در ثبوت هلال ذی‌حجه در مکه - اعم از عدم ثبوت نزد شیعه، مطابق نظر و حکم قاضی اهل سنت یا علم به خلاف آن - شیعیان مصر بودند که طبق نظر خود در ثبوت هلال و قوف عرفه و مناسک بعدی را انجام دهند و این امر جز در سالهایی معدود ممکن نمی‌شد. از این رو، در سالهای دیگر، هر چند ممکن بود صوری و شکلی در قوف عرفه و اعمال بعدی با اهل سنت همراهی کنند، اما این را صحیح و مجزی نمی‌دانستند و با عمره

۱. میراث حدیث شیعه، ج ۱، صص ۴۲۱ و ۴۲۲، «زندگی نامه خودنوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی».



سال ۱۳۶۷ ق. با حمزه غوث، سفیر عربستان در ایران، دیدار کرد که گزارش آن با عنوان «تفصیل ملاقات آقای حاج سراج انصاری با جناب آقای حمزه غوث، وزیر مختار مملکت سعودی» در نشریه ماهانه «مسلمین» شماره ۳-۲ (یکم مرداد ماه ۱۳۲۷ = ۱۶ ماه رمضان ۱۳۶۷) منتشر شد. سال ۱۳۲۷ ش. نخستین سالی بود که پس از چهار سال قطع روابط ایران و عربستان و ترک حج - به مناسبت شهادت میرزا ابوطالب یزدی در مکه - به سال ۱۳۲۲ ش. - ایرانیان به حج می رفتند. حاج سراج در این گزارش می نویسد:

«نظر به اینکه اتحادیه مسلمین بسیار حریص است که یک وحدت اسلامی در تمام کشورهای اسلامی ایجاد شود و همواره برای رسیدن به این هدف مقدس اهتمام می نماید، لذا هر فردی از افراد این اتحادیه مجاز است که در این موضوع همت نموده و راه رسیدن به مقصود را باز کند. به همین مناسبت این جانب حاج سراج انصاری (مؤسس اتحادیه مسلمین) روز پنجشنبه دهم تیرماه، آقای دکتر موسی حکمت، منشی هیأت مدیره اتحادیه را برای

تعیین وقت به سفارتخانه سعودی اعزام نمودم تا یک ملاقات خصوصی با وزیر مختار حجاز به عمل آید....

... سپس گفتم: چیزی که در اعمال حج بسیار مؤثر است و برای شیعه یک امر مهم می باشد، قضیه رؤیت هلال است؛ زیرا در مکه پس از فتوای^۱ محکمه شرعیه، دولت سعودی همه را مجبور می کند که از فتوای محکمه تبعیت نمایند و هر روزی را که محکمه معین نموده است، آن روز را اول ماه قرار دهند. چه ضرری دارد که یک نفر از علمای شیعه در آن محکمه حاضر و هنگام شهادت شهود او نیز حضور داشته باشد که موقع فتوا با هم فتوا دهند تا اختلافی تولید نشود؟

آقای حمزه غوث در جواب این پیشنهاد گفت که این عمل غیر ممکن است؛ زیرا مداخله در این عمل، مداخله به امور داخلی کشور محسوب می شود و محال است که یک چنین عملی انجام بگیرد. علاوه، اگر شما کشور سعودی را

۱. روشن است که مراد «حکم» است نه فتوا. در این گزارش حاج سراج، حدود ده بار کلمه «فتوا» به کار رفته که در همه آنها از آن «حکم» اراده شده است.

کشور اسلامی می‌دانید باید تابع مقررات آن بشوید؛ چنانکه من فعلاً در ایران مقیم هستم و آن را کشور اسلامی می‌دانم، فردا ماه مبارک رمضان است. دولت اعلام خواهد داشت که فلان روز اول ماه مبارک رمضان است، بر من واجب است که از آن تبعیت نموده و همان روز را روزه بگیرم، اگرچه از حجاز تلگرافی دریافت می‌کنم که آن روز اول ماه نیست. آیا من می‌توانم به دولت تکلیف کنم که چون فتوا دهنده شما شیعی است اجازه بدهد یک نفر از اهل فتوای سنی در محکمه شرعی حاضر و به شهادت شهود گوش دهد...؟

گفتم: ما کشور سعودی را کشور اسلامی می‌دانیم، حرف در مستند فتواست، من خودم در سال ۱۳۵۰ عازم مکه بودم، شبی میان مکه و مدینه به مناسبت احتمال شب اول ماه ذی‌الحجه الحرام بودن، میان بیابان تمامی حجاج از اتومبیل‌ها پیاده شده و استهلال نمودند و احدی ماه را ندید! چیزی که مایه بدگمانی اینجانب شد، آن بود که یک نفر حمله‌دار که یک چشم هم نداشت پهلوی خود من ایستاده و

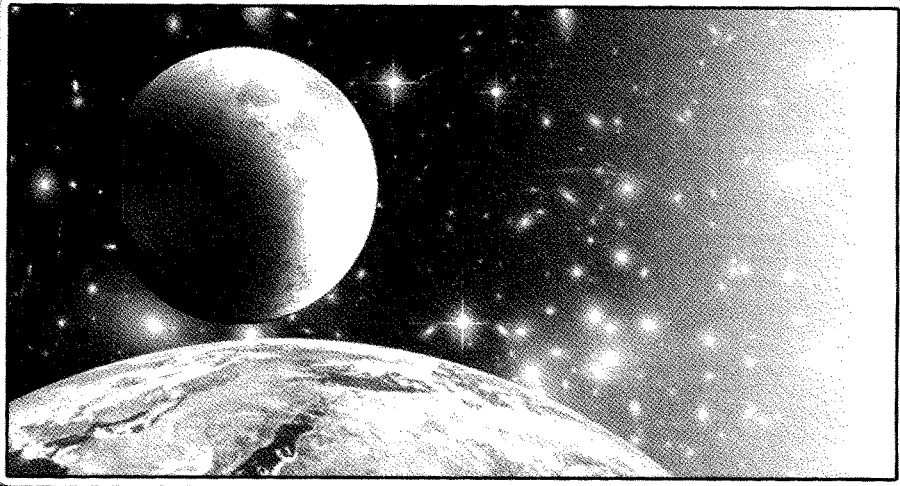
استهلال نمود و در نتیجه گفت که ماه پیدا نیست و چون به مکه رسیدیم یکی از شهود همین حمله‌دار بود و روی شهادت یک چنین شهودی فتوا داده می‌شود! از این رو، اگر یک نفر عالم شیعه در محکمه باشد و به اوضاع شهود کاملاً دقت شود، اختلافی در میان نخواهد بود.

آقای حمزه غوث اظهار داشت که دقت در مستندات فتوا وظیفه شرعی و وجدانی مفتی است و اگر بر فرض اینکه مفتی در فتوای خود دقت ننمود، کسانی که طبق فتوای او عمل می‌کنند پیش خدا مسؤول نیستند.

چون مطلب به اینجا رسید، من دیگر نخواستم دنباله مطلب را گرفته و ثابت کنم که درمسأله مفروض، دلیل آقای حمزه غوث پایه‌ای ندارد. به هر حال گفت‌وگوی ما باز به موضوع رفع اختلافات بازگشت.^۱

۲. چنانکه گذشت، آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی رحمته‌الله در سال ۱۳۷۱ ق. = ۱۳۳۱ ش. به حج مشرف شدند. در آن سال نیز چنین اختلافی روی داد. از این رو،

۱. حاج مهدی سراج انصاری، صص ۲۴۹ - ۲۴۵



برگزار نماید....^۲

دعوت آیت‌الله کاشانی به انجام [دادن]
دو مراسم حج، در صورت اختلاف
شیعه و سنی در ثبوت رؤیت هلال ماه
ذی‌حجه، برخلاف انتظار مقامات

آیت‌الله کاشانی به فکر چاره افتادند. جناب
آقای جعفر رائد که همراه ایشان بوده، در
این باره می‌نویسد:

«آیت‌الله کاشانی... دستور دادند تا نامه
نسبتاً مفصّلی به زبان عربی، خطاب به
ملک سعود پادشاه عربستان^۱ نوشته
شود که در آن برای نزدیکی و اتحاد
مسلمانان، نیز جهت سر و سامان دادن
به امور حج و عمره، پیشنهادهایی
گردیده بود؛ از جمله آزاد، گذاشتن
روزهای عرفه و عید قربان بود تا هر
فرقه‌ای در هر روزی که برایش مسلّم
شده است، اعمال مورد نظر حج را

۱. آن زمان ملک عبدالعزیز پادشاه عربستان،
و امیر سعود ولیعهد بود و نامه آیت‌الله کاشانی
خطاب به ملک عبدالعزیز است.
۲. این موضوع به شکل محرمانه و شفاهی به
مقامات عربستان پیشنهاد شد و در نامه مزبور
سخنی از این مشکل نیست. متن عربی نامه
آیت‌الله کاشانی علیه السلام به عبدالعزیز در مجله
میقات حج، شماره ۴۳، ص ۶۴، ضمن مقاله
«گزارشی از سفر حج مرحوم آیت‌الله کاشانی»
چاپ شده است.

سعودی و محافل اهل تسنن بود؛ زیرا تصور می‌کردند او، که یک روحانی سیاستمدار و آزادمنش است، خواهان گذشت و سازش در این قبیل مسائل فرعی است.^۱

جناب آقای کاظم آزری کاردار ایران در عربستان نیز در گزارش شماره ۷۰۹ در تاریخ ۱۳۳۱/۷/۲۲ ش. در این باره می‌نویسد:

«اگرچه معلوم بود که مذاکره با امیر سعود هم اثری ندارد و رییس دفتر امیر فیصل برای اینکه از مداخله در این موضوع حساس راحت شود، بنده را به امیر سعود حواله کرده است. چون در این باب حضرت آیت‌الله اصرار داشتند، [برای] گرفتن وقت ملاقات از منشی مخصوص امیر سعود به کاخ ولیعهد رفتم و وقتی آنجا رسیدم که امیر سعود مشغول صرف نهار بود.

سوابق بنده با منشی مخصوص امیر سعود که اخیراً عهده دار این پست شده است، زیاد نبود. لذا خود را به نحو مقتضی به او معرفی نمود، سوابق و علاقه‌ام را به کشور عربی سعودی خاطر نشان نمودم و با ذکر موقعیت

ممتاز حضرت آیت‌الله کاشانی در عالم اسلام و لزوم جلب رضایت او و حسن اثر آن در بین ایرانیان و سایر مسلمانان، جریان را به نحو مقتضی بیان نموده، گفتم درخواست حضرت آیت‌الله این نیست که اجازه و قوف مخصوص به ایرانیان بدهند، تنها تقاضایشان این است که برای اشخاصی که می‌خواهند عمل به احتیاط نمایند و برای و قوف اضطراری می‌خواهند روز شنبه به عرفات، شب یکشنبه به مشعر بروند سخت‌گیری نکنند؛ یعنی مأمورین شهربانی نسبت به این قبیل اشخاص اغماض و چشم پوشی نمایند و مخصوصاً خاطر نشان نمودم که این عمل صورت معامله استثنایی نسبت به ایرانیان و موافقت با و قوف مخصوص برای آنها را به خود نخواهد گرفت.

نامبرده جریان را به عرض امیر سعود رسانید و در جواب با ابلاغ مراتب احترام و سلام ولیعهد به حضرت آیت‌الله گفت:

۱. تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۶-۷، ص ۳۳۳، «آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی آن‌طور که من شناختم».



امیر می‌گوید: چنین تقاضایی از ایشان که از دعوات و پیشروان وحدت اسلام‌اند بعید و مستبعد به نظر می‌رسد، چون انجام [یافتن] آن موجب تشتت و تفرقهٔ مسلمین خواهد شد.

سایر مسلمین با اینکه حکم محکمهٔ شرعیه راجع به روز وقوف عرفات با تقویم کشورهایشان و با احکام محاکم شرعیهٔ آن کشورها اختلاف دارد، به حکم قاضی محلّ تمکین می‌نمایند و در حدود ۴۰۰ هزار مسلمان از بلاد مختلف، روز جمعه در عرفات وقوف می‌کنند. اغماض نسبت به عده‌ای در حدود سه هزار نفر در وقوف روز بعد که به منزلهٔ اجازهٔ ضمنی این عمل است، اسباب تفرقهٔ مسلمین می‌شود و دولت سعودی به هیچ وجه نمی‌تواند با چنین امری موافقت نماید و اکیداً از حضرت آیت‌الله تقاضا می‌نمایند که به ایرانیان دستور دهند از اجماع سایر مسلمین خارج نشوند و در همان روزی که سایرین در عرفات وقوف می‌نمایند وقوف کنند.

در خاتمه، از قول امیر چنین تذکر دادند که اولیای امور نسبت به کسانی که برخلاف اجماع مسلمین قیام کنند و

روز شنبه به عرفات یا شب یکشنبه به مشعرالحرام روند، نهایت شدت را اعمال خواهد داشت.»

جواب مزبور را به عرض حضرت آیت‌الله رساندم.

۳. مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰) نیز پیشنهادی شبیه پیشنهاد آیت‌الله کاشانی به مقامات سعودی داده‌اند که آنان نپذیرفته‌اند. جلال آل احمد در سال ۱۳۸۳ ق. = ۱۳۴۳ ش. به حج مشرف شد. وی در سفرنامه‌اش «خسی در میقات»،^۱ و نیز در نامه‌ای به حضرت امام خمینی (ره) از مکه، بدین موضوع اشاره کرده است. آل احمد در نامهٔ مزبور می‌نویسد:

مکه، روز ۳۱ فروردین ۱۳۴۳ ش. = ۸ ذی حجه ۱۳۸۳ ق.

«آیت‌الله! وقتی خبر خوش آزادی آن حضرت، تهران را به شادی واداشت، فقرا منتظر پرواز! بودند به سمت بیت‌الله. این است که فرصت دست‌بوسی مجدد نشد. اما اینجا دو سه خبر اتفاق افتاده و شنیده شده که دیدم

۱. نک: خسی در میقات، صص ۱۲۶ و ۱۲۷

اگر آنها را وسیله‌ای کنم برای عرض سلامی بد نیست....

دیگر اینکه در این شهر شایع است که قرار بوده آیت‌الله حکیم امسال مشرف بشود، ولی شرایطی داشته که سعودیها دوتایش را پذیرفته‌اند و سوّمی را نه. دو تایی را که پذیرفته‌اند داشتن محرابی برای شیعیان در بیت‌الله و تجدید بنای مقابر بقیع و اما سوم که نپذیرفته‌اند حق اظهار رأی و عمل در رؤیت هلال. به این مناسبت حضرت ایشان خود نیامده‌اند و هیأتی را فرستاده‌اند، گویا به ریاست پسر خود.....^۱

ج) اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه، در منابع فقهی

بحث ثبوت هلال و چگونگی‌های آن، معمولاً در کتابهای فقهی، در کتاب الصوم و در کتاب الشهادات به مناسبت عدم پذیرش شهادت زنان در رؤیت هلال، مطرح شده و در کتاب الحج - به جز در سه سده اخیر - سخنی از آن به میان نیامده است، حتی در رساله‌های «مناسک حج» از شهید اول و شهید ثانی و دیگران. در کتابهای

فقهی متقدمان و نیز آثار فقهی محقق حلّی و علامه حلّی مانند «قواعد الأحکام»، «ارشاد الأذهان» و «تبصرة المتعلمین» در کتاب الحج از این موضوع بحثی به میان نیامده است. فقط علامه حلّی در «منتهی» و «تذکره» و «تحریر» به پیروی از کتب فقهی اهل سنت متعرض این فرع شده که اگر شب سی‌ام ماه ذی‌قعدة هوا ابری بود و هلال ذی‌حجه دیده نشد، تکلیف چیست؟ و فروعی مانند آن. سپس شهید هم در «دروس» متعرض همین فروع شده؛ از جمله اینکه: «ولو رأى الهلال وحده أو مع غيره، و ردّت شهادتهم وقفوا بحسب رؤيتهم و إن خالفهم الناس و لا يجب عليهم الوقوف مع الناس» که این را فقها درباره ماه مبارک رمضان هم فرموده‌اند و علامه در «منتهی» هم از شافعی نقل می‌کند که «أنهم يقفون على حسب رؤيتهم و إن وقف الناس في غير ذلك».^۲

ولی از بحث اختلاف شیعه و سنی، در ثبوت هلال ذی‌حجه در مکه، در کتابهای

۱. روزنامه کیهان، ویژه‌نامه یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره)، مهرماه ۱۳۷۸، ص ۴
۲. نشانی دقیق و متن کامل سخنان عالمان عامه و خاصه در میراث فقهی (۲): رؤیت هلال، مجلدات ۵ - ۳ آمده است.



فقهی تا سه سده پیش خبری نیست و گویا حاجیان شیعه همزمان با ستیان مناسک حج را انجام می دادند؛ همچنانکه در عصر ائمه معصومین علیهم السلام و از اواخر دوره صفوی به این سو، به علل گوناگون، اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه میان شیعه و سنی مطرح شد که نمونه هایی از آن گذشت و معمولاً در صورتی که حجاج نمی توانستند به تشخیص خود عمل کنند همراه ستیان وقوف به عرفات و سایر اعمال را انجام می دادند، حتی در صورت تقیه و ترس، سخنی از اجزاء و صحت حج نبود، بلکه با عمره مفرده و هدی از احرام خارج می شدند و حج از آنان فوت می شد.

در کتب فقهی استدلالی متأخران، ظاهراً نخست بار صاحب «جواهر» (م ۱۳۶۶) از اجزاء و صحت حج - طبق ثبوت هلال ذی حجه نزد قضاة عامه - سخن گفته است که پس از این، نقل خواهم کرد. باری در «مناسک حج» شیخ انصاری (م ۱۲۸۱) که فقیهان بسیاری بر آن حاشیه دارند، می خوانیم:

«هرگاه در پیش قاضی عامه، هلال

ثابت شود و حکم کند و در پیش شیعه

شرعاً ثابت نشده باشد، لهذا روز عرفه

نزد عامه، روز هشتم باشد در پیش شیعه؛ پس اگر ممکن است مخالفت ایشان در بیرون رفتن به سوی عرفات - که روز خروج ایشان است از مکه - یا ممکن باشد مانند شب آن روز در عرفات تا فردا - که روز عرفه است - یا رفتن و برگشتن فردا پیش از غروب آفتاب، به جهت ادراک وقوف اختیاری عرفه، یا بعد از غروب آفتاب به جهت ادراک اضطراری آن، اگر متمکن شود از مراجعت قبل از آن؛ پس واجب است که چنین کند تا ادراک وقوف اختیاری یا اضطراری نماید، از آنجا [یعنی عرفات] به مشعر رفته ادراک آن نیز نماید و اعمال روز عید را در منا به عمل آورد [اگرچه به نظر عامه روز یازدهم است]. و اگر ممکن نشود ادراک وقوف عرفه اصلاً؛ پس اگر ممکن است ادراک وقوف مشعر الحرام، پس آن نیز کفایت می کند و حج او صحیح است، و الا حج او در آن سال فاسد خواهد بود.

الحاصل، تقیه در این مقام، مصحح عمل نمی شود علی الأحوط الأقوی. والله العالم.^۱

۱. نک: میراث فقهی (۲): رؤیت هلال، ج ۴

در اینجا از بزرگان فقیهان، صاحب «عروه» (م ۱۳۳۷) و آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، (م ۱۳۸۰) بر جمله اخیر «مناسک» شیخ حاشیه زده اند: «اقوی بودن، محل تأمل است» و ظاهراً آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله بروجردی، در صورت عدم علم به خلاف، متابعت عامه را صحیح و مجزی می دانسته اند و آیت الله طالقانی هم به مناسبت این اختلاف در حج سال ۱۳۷۱ ق. = ۱۳۳۱ ش. می نویسد:

«... و چون همیشه در اختلاف، محاکم حجاز یک روز پیش از اول ماه حکم می نمایند، هیچ گاه علم به خلاف حاصل نمی شود و فتوای حضرت آیت الله بروجردی (آدام الله بقاءه) این مشکل را آسان نموده است.»^۱

در اینجا فتوای عده ای از مراجع معاصر در این زمینه را نقل می کنم:

الف) آیت الله حکیم (م ۱۳۹۰):

«تبعیت از آنها در وقوف عرفات و مشعر از جهت تقیه، ظاهراً صحیح است و مُبرئ ذمه می باشد چه علم به مخالفت با واقع داشته باشد یا نداشته باشد و احتیاج نیست انسان خود را در

معرض اذیت و اهانت قرار دهد. پس کفایت می کند وقوف با آنها. اما بقیه اعمال در منا؛ مثل رمی جمره و قربانی و سر تراشیدن و بیتوته کردن شبهای تشریق، ظاهر آن است که اگر شک داشته باشد؛ یعنی نمی داند حکم قاضی با واقع مطابق است یا نیست، در این صورت، تبعیت از آنها در اعمال منا نیز کافی است و اگر یقین به مخالفت داشته باشد، ظاهر این است که موافق مذهب شیعه اعمال منا را به جا آورد.»

ب) آیت الله سید محمود شاهرودی (م ۱۳۹۴):

«متابعت حکم قاضی سنی جایز نیست ولی در این مسأله رجوع به مجتهد مطلق که تبعیت را مجزی می داند جایز است.»

ج) آیت الله سید هادی میلانی (م ۱۳۹۵):

«در صورتی که نداند حکم او مخالف واقع است، می تواند به حکم او عمل نماید.»



(د) آیت الله سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵): فتوای ایشان عین همان فتوای شیخ انصاری است که از «مناسک» ایشان نقل شد.

(ه) آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳):

«اگر احتمال مطابقت با واقع در حکم آن حاکم باشد، ظاهر این است که از باب تقیه تبعیت لازم است و در روز وقوف آنها وقوف به عمل آید. در فرض تقیه تبعیت از حاکم سنّی واجب است و در صحّت حج کفایت می کند و حاجتی به احتیاط نیست. اگر شخصی به اسم احتیاط مخالفت تقیه نماید مرتکب حرام شده و آن وقوف جزء حج نخواهد شد و اگر به آن اکتفا نماید حج او باطل است.»

(و) آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی (م ۱۴۱۴):

«اگر از جهت تقیه ناچار به متابعت و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجّه الاسلام، هر چند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند، احوط آن است که با آنها رجاء

متابعت کنند و بعد هم عمل به وظیفه خود نمایند، حتی با عدم علم به خلاف»^۱

اما امام خمینی (ره) هر چند در «تحریر الوسیله» نظری مشابه نظر برخی از دیگر بزرگان دارند و نوشته اند:

«لو ثبت هلال ذی الحجّة عند القاضي من العامّة و حکم به ولم یثبت عندنا، فإن أمکن العمل علی طبق المذهب الحقّ بلا تقيّة وخوف وجب، وإلّا وجبت التبعیة عنهم، و صحّ الحجّ لو لم تتبیّن المخالفة للواقع، بل لا یبعد الصّحّة مع العلم بالمخالفة، ولا تجوز المخالفة، بل فی صحّة الحجّ مع مخالفة التّقیة إشکال... ولمّا کان أفق الحجاز والنجد مخالفاً لآفاقنا - سیما أفق ایران - فلا یحصل العلم بالمخالفة إلّا نادراً»^۲

اما سپس از این نظر عدول و به طور قاطع و مطلق در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۹۹ ق. = ۱۳۵۸/۶/۲۹ ش. اعلام کردند:

۱. مناسک حج جامع، صص ۷۴ - ۷۶، از بند الف تا اینجا همه از این منبع نقل شد.
۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۸، مسأله ۷

«در وقوفین، متابعت از حکم قُضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است اگرچه قطع به خلاف داشته باشید»^۱

به نظر می‌رسد با توجه به حوادث تاریخی که پیشتر به شمه‌ای از آنها اشاره شد و با توجه به وضع عربستان در این روزگار و شرایط ویژه حج، نظر صحیح همین است و حدود دو قرن پیش از امام خمینی رحمه الله فقیه مهذب و وارسته و یکی از کُمل؛ یعنی علامه بحر العلوم رحمه الله (م ۱۲۱۲) همین فتوا را داشته است. صاحب جواهر پس از بحث از فروع مطروح در «منتهی»، «تحریر»، «تذکره» و «دروس» در این زمینه می‌نویسد:

«نعم بقي شيء مهم تشتد الحاجة إليه، وكأنه أولى من ذلك كله بالذكر، وهو أنه لو قامت البيّنة عند قاضي العامة وحكم بالهلال على وجه يكون يوم التروية عندنا عرفة عندهم، فهل يصح للإمامي الوقوف معهم ويجزئ، لأنه من أحكام التقية ويعسر التكليف بغيره، أو لا يجزئ، لعدم ثبوتها في الموضوع الذي محلّ الفرض منه، كما يسوّم إليه وجوب القضاء في حكمهم بالعيد في شهر رمضان الذي

دلّت عليه النصوص التي منها: «لأن أفطر يوماً ثم أقضيه أحب إليّ من أن يضرب عنقي؟» لم أجد لهم كلاماً في ذلك، ولا يبعد القول بالإجزاء هنا إلحاقاً بالحكم للخرج، واحتمال مثله في القضاء.

وقد عثرت على الحكم بذلك منسوباً للعلامة الطباطبائي، ولكن مع ذلك فالاحتياط لا ينبغي تركه، والله العالم»^۲

از آنجا که علامه بحر العلوم چند سال مجاور مکه مکرمه بوده^۳ و شرایط آنجا و به عبارت درست‌تر «موضوع» حکم را کاملاً شناخته و بر جوانب آن اشراف داشته، به درستی چنین فتوایی صادر کرده است و این غیر از آن است که آدمی در نجف یا قم، در محفل گرم درس و بحث و در میان انبوه شیعیان و فارغ از مشکلات ویژه عمل نکردن به تقیه و بدون توجه به قتل‌هایی که واقع شده و مصیبت‌هایی که عده‌ای برای این

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲، آری «هذه من غلاة إحدى المعالي».

۲. جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۳۲

۳. نک: الفوائد الرجالية، ج ۱، صص ۳۵ - ۳۶، ۹۵ - ۹۶، مقدّمه التحقيق.

موضوع متحمل شده‌اند، بخواهد فتوا بدهد. آری، شناخت عمیق و درست موضوع، اول شرط فتوا درباره آن موضوع است.

باری، در عصر حضور، حدود دویست سال ائمه معصوم علیهم‌السلام و اصحاب بزرگوارشان با اهل سنت حج گزاردند و حتی یک مورد هم نقل نشده که در وقوف عرفات و مناسک بعدی حج، با آنان همراهی نکرده باشند. و این احتمال هم که در تمام این مدت با اهل سنت و امیر الحاج آنان در رؤیت هلال متفق القول بودند، بسیار بعید است. در آن روزگار حاکمان همواره امیرالحاج نصب می‌کردند و مردم در همه مواقف پیرو آنان بودند و مسعودی در «مروج الذهب» امیرالحاج‌های سال هشتم هجرت تا سال سیصد و سی و پنج را، در بابی مخصوص نام برده است.^۱

به عکس، نه تنها عدم همراهی ائمه علیهم‌السلام و اصحاب با عامه و امیرالحاج آنها نقل نشده، بلکه معصوم علیه‌السلام در روایتی به متابعت آنها دستور داده‌اند؛ چنانکه در روایت ابی‌الجارود آمده است:

«سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه‌السلام أَنَا شَكَكْنَا سَنَةً فِي عَامٍ مِنْ تِلْكَ الْأَعْوَامِ فِي الْأَضْحَى فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام وَكَانَ

بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُضَحِّي، فَقَالَ علیه‌السلام:
«الْفِطْرُ يَوْمٌ يُفْطِرُ النَّاسُ، وَ الْأَضْحَى
يَوْمٌ يُضَحِّي النَّاسُ، وَ الصَّوْمُ يَوْمٌ
يَصُومُ النَّاسُ».^۲

در این حدیث شریف، امام علیه‌السلام میان علم به خلاف و عدم آن، و تمکن از عمل به وظیفه، بدون خوف و تقيه و عدم آن، تفصیل نداده‌اند.

همچنین اهل سنت از عایشه و ابو هریره از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - به ترتیب - نقل کرده‌اند:

- «الْفِطْرُ يَوْمٌ يُفْطِرُ النَّاسُ، وَ الْأَضْحَى
يَوْمٌ يُضَحِّي النَّاسُ...».^۳
- «الصَّوْمُ يَوْمٌ تَصُومُونَ، وَ الْفِطْرُ يَوْمٌ
تُفْطِرُونَ، وَ الْأَضْحَى يَوْمٌ تُضْحُونَ».^۴

ترمذی در تفسیر حدیث اخیر گفته است:

«فَسَّرَ بَعْضُ أَهْلِ الْعِلْمِ هَذَا الْحَدِيثَ،

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۶۶

۲. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۹۶۶؛

وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۳۳، أبواب ما یمسک

عنه الصائم، الباب ۵۷، ح ۷

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۴۸۹، ح ۲۳۷۶۳

۴. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۰۲، ح ۶۹۳

فقال: «إنما معنى هذا الصوم و الفطر مع الجماعة و عظم الناس»^۱

مرحوم آیت الله طالقانی رحمه الله سالها پیش در این باره نوشته است:

«با آنکه همیشه اکثریت و نفوذ در اجتماع حج، با اهل سنت و جماعت بوده و آنچه در کتب فقهی سابقین و احادیث، به طور وضوح بیان نشده، وظیفه مخصوص شیعه و چگونگی اثبات اول ماه برای آنهاست، بلکه به عکس، احادیث ما و ظواهر آیات درباره ادراک موقفین، که از ارکان حج است، ناظر به ادراک اجتماع و تبعیت از عموم است... بعضی از فقهای متأخر، چون توجه کاملی به احادیث و آیات و سیره گذشتگان ننموده اند؛ همان موازین و قواعدی را که عموماً در اثبات موضوعات شرعی و هلال است، مو به مو در مورد حج می خواهند اعمال نمایند، ولی آنها که توجه و دقت در این آیات و احادیث و موقعیت حج و اختلاف نموده اند، نبودن علم به خلاف را کافی می دانند و حکم به تبعیت می کنند و مشاهده و علم یا ظن قوی را که در مثل اثبات ماه رمضان یا شوال

لازم می دانند در اینجا لازم نمی شمارند و چون همیشه در اختلاف، محاکم حجاز یک روز پیش از اول ماه حکم می نمایند هیچ گاه علم به خلاف حاصل نمی شود و فتوای حضرت آیت الله بروجردی (ادام الله بقاءه) این مشکل را آسان نموده است»^۲

گفتنی است که در پنجاه و سه سال پیش؛ یعنی در ذی حجه سال ۱۳۷۳ مرحوم آیت الله حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله رسماً در این باره فتوای خود را اعلام کرده است. در این زمینه، در نشریه «آیین اسلام» (مورخ شنبه، ۷ ذی حجه ۱۳۷۳)^۳ آمده است:

چون موضوع اختلاف افق ایران و حجاز در بعضی سالها موجب اختلاف رؤیت هلال در دو کشور می شد و در این سالها به سبب این اختلاف، حجاج دچار اشکال می گردیدند و بعضی از حجاج با اینکه اولیای امور دولت

۱. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۰۲، ذیل حدیث ۶۹۳

۲. به سوی خدا می رویم، صص ۱۸۷ - ۱۸۵

۳. آیین اسلام، سال ۸، ش ۳۳، پیاپی ۳۲۰، (شنبه ۷ ذی حجه ۱۳۷۳ برابر با ۱۶ مرداد ۱۳۳۳، ص ۱۶).



سعودی به هیچ وجه اجازه و قوف در عرفات را جز در روز نهم ذی حجه مطابق حکم قاضی محل نمی دهند، بدون توجه به اختلاف افق و امکان اختلاف رؤیت هلال، اصرار داشتند روز بعد از وقوف عامه حجاج، که مطابق حکم قاضی محل، دهم ذی حجه مطابق تقویم ایران نهم آن ماه محسوب می شود در عرفات وقوف نمایند و این امر موجب توهین بلکه صدمه جانی آنان می گردید...

ولذا کمیسیون دائمی حج، که در وزارت امور خارجه تشکیل می شود، آقای حاج اکبر اسماعیل نیا را برای گزارش جریان امر و روشن شدن موضوع، حضور حضرت آیت الله العظمی بروجردی، مرجع تقلید شیعیان جهان فرستاد تا در این باب از معظم له استفتاء نمایند و تکلیف حجاج در این باره معین شود. اکنون متن فتوای حضرت آیت الله العظمی بروجردی که در این باره صادر فرموده اند به شرح زیر به اطلاع عموم می رسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

البتة اختلاف افق حجاز با افق ایران ممکن است موجب اختلاف رؤیت هلال

و عدم رؤیت شود و در مناسک هم حقیر نوشته ام که در صورتی که حکومتی که متصدی امر حاج است به تبعیت از حکم قضات الزام کند حاج را به عمل بر طبق آن حکم، در صورتی که حاج مخالفت آن حکم را با واقع ندانند، عمل کردنشان بر طبق حکم جایز است و حج آنها محکوم به صحت است. لکن مقتضی است حکومت ایران با حکومت حجاز، که متصدی امور حج مسلمین است، مذاکره کنند که به قضات تذکر دهند که امر حج چون مشترک بین تمام مسلمین است و از تمام ممالک اسلامی به حج می روند و مورد ابتلای عموم است قضات در اصرار رؤیت هلال تسامح روا ندارند و دقت کنند که موجب نشود بعض حاج عالم به مخالفت حکم با واقع شوند و تکلیف آنها از این جهت مشکل شود. نسأل الله عز شأنه أن یوفقنا و جمیع المسلمین لأداء ما علینا وعلیهم من الوظائف الدینیة. حسین الطباطبایی

(د) چگونگی و مبنای ثبوت و اعلام رؤیت

هلال ذی حجه در مکه

از جزئیات چگونگی ثبوت رؤیت

هلال نزد قضات عامه در مکه، در گذشته چندان اطلاعی نداریم، همین قدر می دانیم که - چنانکه در سخن مرحوم حاج سراج انصاری گذشت - به شهادت شهود فاسق و دروغگو هم گاهی اعتماد می کنند. همچنین حداقل در دوره عثمانیان، در سالهایی که ممکن بود با اعلام یک روز زودتر «حج اکبر» به نظر عامه، تحقق یابد، از اعلام رؤیت هلال، یک روز جلوتر از وقت حقیقی، ابایی نداشته اند، چنانکه به تفصیل گذشت.

از سوی دیگر، مرحوم آیت الله طالقانی رحمه الله، به مناسبت اختلاف در ثبوت هلال ذی حجه در مکه به سال ۱۳۷۱ ق. از قول برخی مقامات سعودی دقت و احتیاط تام در اعلام ثبوت هلال را نقل می کند. ایشان می نویسد:

«با تعبّدی که دولت و ملت حجاز به مقررات دینی و اهمیتی که درباره امر حج دارند، تا تحقیق کافی نشود، اول ماه را اعلام نمی کنند. برای چه حج هزارها نفر را با مسامحه فاسد می کنند؟! چرا در هر سالی که اختلاف پیش می آید همیشه یک روز اول ماه حجاز مقدم می شود و چرا از روی

مسامحه یک روز مؤخّر نمی باشد؟ با آنکه هر چه حجاج بیشتر در حجاز توقف کنند، گرچه یک روز هم باشد، برای آنها سود بیشتری دارد. آیا این قرائن اطمینان آور نیست؟ چنانکه آقای مظفر اعلم، سفیر ایران در حجاز، پس از پایان ایام حج می گفت: ولیعهد سعودی از عمل بعضی ایرانیان درباره تجدید موقف متأثر بود و گفته بود: ما چه نظری داریم که حج مردم را فاسد کنیم! دقت ما درباره اثبات ماه رمضان و ذی حجه بیش از هر امری است. تا پنجاه نفر از نقاط مختلف گواهی ندهند قاضی حکم نمی کند و تا قاضی حکم نکند دولت اعلام نمی کند»^۱

به هر حال، گذشته هرگونه باشد، چندان تأثیری برای وضع فعلی ما ندارد. آنچه مهم است، وضع فعلی ثبوت رؤیت و اعلام آن است. روزنامه «الشرق الأوسط» در تاریخ ۲۰۰۰/۱/۱۵ به نقل از رئیس مجلس القضاء الأعلى در عربستان آورده است که با شهادت یک نفر آغاز ماه رمضان ثابت می شود، ولی برای اثبات عید فطر حداقل شهادت دو نفر لازم است. ولی

۱. به سوی خدا می رویم، ص ۱۸۵ - ۱۸۴



درگیر بوده‌اند؛ مثلاً استاد حاتم ممدوح ابو زید از اردن در ۲۳ ماه رمضان ۱۴۱۸، به شورای افتای ریاض اعتراض کرد که چرا ۲۴ ساعت قبل از تولّد هلال شوال را، آغاز ماه شوال دانسته‌اند و شورای مذکور بدون توجه به موازین شرعی و علمی، پاسخی بی‌ربط داد و نوشت:

«اگر سنّ ماه در وقت غروب خورشید ۱۲ ساعت یا بیشتر باشد، همان روز - نه فردا - اول ماه است؛ زیرا روز شرعی از هنگام غروب خورشید آغاز می‌شود»

مشروح سخنان یوسف مروه را در جلد چهارم «رؤیت هلال» نقل کرده‌ام.

شورای مذکور از سال ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۲ ضابطه دیگری معرفی کرد که بر اساس آن اگر در غروب روز بیست و نهم ماه قبل، ماه بعد از خورشید غروب کند، فردای آن، روز اول ماه است. هرچند این ضابطه نیز درست نیست ولی از روش قبلی معقول‌تر است.

در سال ۱۴۲۲ دکتر زکی مصطفی طی

مقامات مسؤول در عربستان اعلام کرده‌اند که تا پیش از سال ۱۴۲۰ از معیاری که تقویم أمّ القری بر اساس آن تدوین می‌شود، استفاده می‌کرده‌اند. این معیار را شورای اعلای افتای عربستان (مجلس الإفتاء الأعلى) تعیین کرده و بر اساس آن، اگر سنّ هلال هنگام غروب خورشید ۱۲ ساعت یا بیشتر باشد همان روز (نه فردای آن شب) روز اول ماه قمری است. واضح است که در این معیار رؤیت یا عدم رؤیت هلال، ملاک نیست بلکه لحظه مقارنه و محاسبات نجومی ملاک است. از این رو ممکن است سنّ یک هلال از غروب شب قبل، منفی ۱۲ ساعت باشد؛ یعنی هنگام غروب شب گذشته (یعنی شب اول ماه بر این اساس) هنوز مقارنه‌ای اتفاق نیفتاده باشد.^۱

پروفسور یوسف مروه در ۱۳/۱۱/۱۹۹۹ در سخنرانی‌اش در صیدا، این روش را به شدت نقد می‌کند و می‌گوید: تقویم أمّ القری بر اساس ضوابط درست علمی استوار نیست و مواقعی را که اساساً رؤیت هلال محال است، اول ماه دانسته، به طوری که همواره فلکیون جهان اسلام با وزارت اوقاف و شورای افتای عربستان در این باره اختلاف نظر داشته و

۱. نک: مجله تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، ش ۲ و سال ۱۶، ش ۱، صص ۷۴ و ۷۵. مقاله «علل ناهماهنگی کشورهای اسلامی در اعلام حلول ماه‌های قمری».

مقاله‌ای، در دومین همایش بین‌المللی نجوم اسلامی، اعلام کرد که از سال ۱۴۲۳ معیار جدیدتری در عربستان اعمال می‌شود که براساس آن، اگر در روز بیست و نهم ماه قمری دو شرط وجود داشته باشد، روز بعد اولین روز ماه جدید خواهد بود. این شرطها عبارتند از:

۱. مقارنه زمین مرکزی قبل از غروب خورشید باشد.

۲. غروب ماه بعد از غروب خورشید اتفاق بیفتد.

روشن است که این ضابطه نیز با ضوابط شرعی و علمی همسانی ندارد؛ زیرا در این ضابطه نیز مانند ضوابط پیشین، احتمال شروع ماه قمری با ماه با سن کمتر از ۱۲ ساعت زیاد است و تصحیح معیارها هم این اشکال را برطرف نکرده و حتی با محاسبات نجومی وجود چنین هلال‌هایی غیر ممکن است. بنابراین، استعمال کلمه هلال در این موارد صحیح نیست و مثلاً بهتر است گفته شود ماه با سن شش ساعت، و نه هلال شش ساعته؛ چون هلال یعنی بازتاب نور خورشید از لبه ماه، و این بازتاب در ماه با سن کمتر از هشت ساعت روی نمی‌دهد.

پس آنچه در سالهای اخیر موجب

بی‌نظمی در شروع ماه‌های قمری شده است، اعلام زود هنگام عربستان بر اساس معیارهای مذکور، و پیروی صرف بعضی از کشورها از این معاییر بوده است که حتی گاه موجب شده است تا سه روز پیاپی در ایالات متحده عید فطر اعلام شود! زیرا گروه‌های مختلف مسلمان در این سرزمین، از ممالک مختلفی پیروی می‌کنند. حال چنانچه عربستان زودتر اعلام نمی‌کرد بالتبع اختلاف دو روزه وجود داشت نه سه روزه.^۱ باری همان‌طور که در گزارش کاردار ایران در عربستان گذشت، در سال ۱۳۷۱، فقط عربستان یک روز زودتر از سایر کشورها اول ذی‌حجه را اعلام کرد به‌طوری که تنها در آنجا روز شنبه عید قربان بود و در سایر کشورها پس از آن.

همچنین در برخی سالها، بر اساس این محاسبه غلط و غیر مطابق با ضوابط صحیح ثبوت هلال، یا بر اساس اعتماد به شهود، حتی پیش از تولد هلال، اعلام ثبوت رؤیت هلال کرده‌اند؛ مثلاً در سال ۱۴۱۹، مقامات سعودی اعلام کردند که غروب روز چهارشنبه (مطابق ۲۶ اسفند ۱۳۷۷ ش.)

۱. نک: همان.



هلال ذی حجه رؤیت شده و پنجشنبه اول ذی حجه است. در حالی که غروب چهارشنبه مزبور هنوز ماه به مقارنه نرسیده و به سمت شرق خورشید نیامده بود، تا هلال جدید به وجود آید؛ زیرا غروب خورشید در مکه در آن چهارشنبه ساعت ۱۸ و ۳۱ و مقارنه ماه و خورشید ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه همان روز بود و هنگام غروب خورشید، ماه سه درجه زیر افق مکه بود.

یکی از کارشناسان مسائل نجومی می نویسد:

در مقاله ای که اخیراً در مالزی منتشر شده است، وقت غروب آفتاب به افق مکه و وقت قران نیرین در تقویم عربستان سعودی در سالهای ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲ مقایسه شده است و ملاحظه می شود که در ۱۴ مورد ادعای رؤیت هلال اول ماه قبل از قران نیرین صورت گرفته که امری محال است به عنوان مثال در رؤیت هلال اول رجب ۱۴۱۱ حتی هشت ساعت و پنجاه دقیقه قبل از قران حکم به رؤیت داده شده است.^۱

مرحوم دکتر تقی عدالتی نیز گوید:

«در سالی که کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران تشکیل شد

عربستان از ایران دعوت کرد تا در جلسه تقویم اسلامی که در جدّه تشکیل می شد شرکت کند. آنگاه به دستور مقام معظم رهبری، من و آیت الله تسخیری به آنجا رفتیم و آنها هدفشان این بود که مکه را مرجع بدانند؛ یعنی بگویند که ما نصف النهار مکه را در نظر می گیریم... سپس موضوع را در آنجا به رأی گذاشتند... من سکوت کردم و آیت الله تسخیری هم رأی ممتنع دادند؛ زیرا به هر حال پذیرفتن آن از نظر شیعه مشکل بود... بعد هم مسأله منتفی گردید... عربستان در بسیاری از سالها عید را جابه جا کرد و حتی آن روزهایی که عید اعلام کرده بود، بعداً باطل نمود؛ یعنی اینها تابع مشخصاتی نیستند...»^۲

در اینجا پیشنهاد می کنم متولیان امر از فقیهان و متخصصان هیئت و نجوم ایرانی کمک بگیرند و با مقامات مسؤول در عربستان مذاکره کنند و به شکل مقتضی به آنها بفهمانند که روش آنان در اعلام اول ماه نه با مبانی نجومی سازگار است نه با مبانی

۱. مجله نجوم، ش ۳۹، ص ۲۶

۲. همان، ص ۲۳۵، «میزگرد علمی».

چنانکه گذشت امام خمینی دستور داده‌اند که با قطع به خلاف هم، متابعت آنها لازم و حج صحیح است و «هذه من علاه إحدى المعالي».

فقهی تا بلکه تجدیدنظر کنند؛ و به هر حال، حداکثر این است که در برخی موارد قطع به خلاف پیدا می‌شود، ولی «لیس وراء عبّادان قرية» و «گفتی که پس از سیاه رنگی نبود» و

